

حجاب وعفاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حجاب و عفاف

حجاب و عفاف

- به کوشش: یونس باقری
- طرح روی جلد: جعفر وافی
- صفحه آرایبی: الهام الیکایی
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- سال انتشار: ۱۴۰۰
- نوبت چاپ: اول



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

فهرست

مقدمه / ۵

حجاب و پوشش در ادیان و ملل / مزگان شاپوریان / ۷

دختران زودتر از پسران / آیت‌الله جوادی آملی / ۱۶

حجاب در نگاه دختران / موسی طیبی‌نیا / ۲۰

چه باید کرد؟ / بهرام فاتح عسگر خانلو / ۲۸

حجاب؛ گرایش یا گریز؟ / مولوی مهدی‌زاده / ۳۹

هویت زیر ذره‌بین! / زهرا اسلامی‌نیا / ۴۵

جهاد تربیتی و فرهنگی برای اعتلای عفاف و حجاب / دکتر محمد مهدی اعتصامی / ۵۷

حجاب از منظر قرآن و عهدین / سیده رقیه سیدی جربندی / ۶۰

پرچم عفاف و پاکدامنی / زهرا روشن / ۷۱

حجاب در کتاب‌های درسی / عباس قلتاش، مسلم صالحی، معصومه ساریخانی‌فرد / ۸۱

در دهه شصت مجلات رشد به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یکی پس از دیگری منتشر و با عناوین مختلف راهی مدارس می‌شد تا معلمان گرامی با توشه‌ای افزون بر کتاب‌های درسی دانش‌آموزان عزیز را آموزش داده و تربیت کنند، در دهه‌ای که از فضای مجازی خبری نبود و اینترنت به شکل فعلی وجود خارجی نداشت و برنامه‌های تلویزیون عموماً در یک قاب و آن هم به صورت سیاه و سفید پخش می‌شد.

مجلات رشد بار گرانی را بر دوش گرفته و به سر منزل مقصود رساندند و استقبال مدیران، دبیران و دانش‌آموزان از این مجلات نشان موفقیت این مجلات بوده است.

از میان مجلات منتشر شده، یکی مجله «رشد معارف اسلامی» بود که به همت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار دبیران قرآن، معارف اسلامی، فلسفه، منطق و عربی قرار می‌گرفت.

البته بعدها برای چندسالی مجله رشد قرآن از معارف اسلامی مستقل و به صورت جداگانه چاپ شد و بعد از مدتی مجدداً مجله رشد قرآن نیز با عنوان رشد قرآن و معارف اسلامی با هم و در یک مجلد منتشر شدند و در سال ۱۴۰۰ نیز مجدداً به دلیل تفکیک حوزه‌های یادگیری درس قرآن و عربی از دروس

معارف اسلامی و حکمت مجله رشد قرآن و عربی از مجله معارف اسلامی مستقل شده است.

در مجلات قرآن و معارف اسلامی مطالب متنوعی چاپ و در اختیار دبیران گرامی قرار گرفته است و استمرار چاپ این مجله نشان از موفقیت آن بوده است.

پس از گذشته چندین دهه از انتشار مجله رشد قرآن و معارف اسلامی دفتر انتشارات و فناوری آموزشی اقدام به نشر گلچینی از مقالات و گفت‌وگوهای منتخب کرده است.

کتاب پیش‌روی شما با عنوان «حجاب و عفاف» محصول بیش از چهار دهه زحمات دست‌اندرکاران و معلمان عزیز در انتشار این مجله است که به صورت یکجا در اختیار شما عزیزان قرار می‌گیرد.

امید است در سال‌های آتی مجموعه‌های دیگر نیز تکمیل شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد.

حجاب و پوشش در ادیان و ملل

مژگان شاپوریان

دبیر شهرستان زاهدان و مدرس دانشگاه فرهنگیان

اشاره

با بررسی پیشینه حجاب در میان اقوام و ملل گوناگون به نظر می‌رسد لباس و پوشش به تدریج و بر اثر تمدن‌ها ایجاد نشده است، بلکه انسان‌های نخستین، یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان‌ها، به‌طور فطری به آن گرایش داشته‌اند و بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. در این نوشتار سعی شده است ابتدا تعریفی از واژه‌های حجاب و عفاف و مفاهیم مرتبط با آن‌ها ارائه گردد و همچنین تاریخچه حجاب و وضعیت آن در میان اقوام و ملل گوناگون و آثار حجاب و عفاف مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، عفاف، لباس، ملل، پوشش عرفی، پوشش دینی، پوشش

قانونی

مقدمه

حجاب همواره با حفظ و حراست و مراقبت همراه است. در واقع حجاب اسم چیزی است که به وسیله آن خود را می‌پوشانند و هر چیزی که بین دو شیء حائل می‌شود. با استناد بر آیه حجاب (سوره احزاب، آیه ۵۳) اصل حجاب فقط برای همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تشریح شده است. اما ستر یا پوشش، حفظ حدود، حریم، عفاف و ... مربوط به همه زنان مؤمن و مسلمان است.

در سال‌های اخیر از پوشش با تعبیر حجاب یاد می‌شود اما حجاب و ستر با هم مترادف نیستند. حجاب و پوشش حریم ظاهری ست و حدود مشخص شده در نگاه، گفتار و ارتباطات غیر کلامی، حریم غیرظاهری آنان است. به تعبیر بسیاری از افراد، پوشش مناسب شامل آراستگی، وقار و نظم در ظاهر است.

بنا بر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان، معمول بوده است. تمام ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده‌اند. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، همان‌طور که در ادامه بررسی خواهد شد، حجاب زنان امری لازم بوده است.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود. «حجبت الشیء.. اذاسترته، والحجاب: السُّتر... احتجبت الشمس فی السحاب اذا تستترت فیهما. حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید: احتجبت الشمس فی السحاب» (ابن درید).

معنای لغوی عفاف

عفاف با فتح حرف اول، از ریشه «عفف» است. «عفت» حالت نفسانی است که

مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و با پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد (اصفهانی). پایه عفاف، خویشتن‌داری است یا (عفت: خویشتن‌داری از آنچه حلال و زیبا نیست) و ردپایی از جنسیت یا اختصاص به جنس خاص (زن) در معنی لغوی عفاف، وجود ندارد (ابن منظور).

تاریخچه حجاب

حجاب در یونان و روم باستان

زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش آن‌ها که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امِرجوسو و در دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی به رنگ قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابه‌لای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفان یونانی نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله «بنیلوب»، همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک نیز، با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند؛ به این صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشانده‌اند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در اسپارته دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند (دایرةالمعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان).

حجاب در هند

درست روشن نیست که حجاب قبل از نفوذ اسلام یا بعدها پس از آن در هند رواج یافته است. آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. از گفتار ویل دورانت در جلد دوم «تاریخ تمدن» چنین بر می‌آید که حجاب هندی به وسیله ایرانیان مسلمان در هند رواج یافته است. (دورانت، ۱۳۷۸).

حجاب در ایران باستان

در ایران باستان زنان و مردان هیچ‌گاه برهنه ظاهر نمی‌شدند. آن‌ها به تناسب محل زندگی، آب‌وهوا، شیوه کار و زندگی هر شهر و روستا پوشش‌های گوناگونی داشتند، که نمونه آن‌ها را هم اکنون در پوشش زنان گیلکی، مازندرانی، کرد، لر، بلوچ، بختیاری و اقوام دیگر و زرتشتیان مشاهده می‌کنیم. از ویژگی‌هایی که در این‌گونه پوشش‌ها به شکل یکسان وجود دارد، نخست اینکه این پوشش‌ها با رنگ‌های طبیعت همگون‌اند، یعنی رنگ‌های سرخ، سبز، ارغوانی، زرد و دیگر رنگ‌ها در پوشش آنان بوده است. دوم اینکه در همه پوشش‌ها دست‌ان زن و مرد برای اجرای کارها، به‌ویژه برای کشاورزی، آزاد بود. نمونه پوشش‌ها را در اقوام لر، کرد، بلوچ، گیلکی و... می‌توان یافت (دورانت، ۱۳۷۸).

مادها

پوشش زنان در دوران مادها با توجه و تکیه بر نقوش برجسته برجامانده با پوشاک مردان یکسان بوده است. البته مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان می‌شده است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

هخامنشیان

به‌نظر می‌رسد پوشش زنان در دوران هخامنشیان با دوران مادها چندان تفاوتی نکرده است. در این باره نوشته‌اند: از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو بر اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود می‌افکندند و در زیر

آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری می پوشیدند که تا
مچ پا نمایان می شده است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

اشکانیان

لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاده، پرچین، آستین دار و یقه راست
بوده است. پیراهن دیگری داشته اند که روی اولی می پوشیدند و قد آن نسبت به اولی
کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن نیز چادر سر می کردند. چادر
زنان اشکانی به رنگ های شاد و ارغوانی یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک
تخته فلزی بیضی منقوش قرار می گرفت یا با دکمه ای که به وسیله زنجیری به گردن
افکنده شده، بسته می شد. این چادر به نحوی روی سر می افتاده که عمامه (نوعی
کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می پوشانیده است. در کتاب «پارتیان» آمده
است: «زنان عهد اشکانی قبایلی تا زانو بر تن می کردند، باشنلی که برافکنده می شد و
نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می آویختند.» (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

حجاب در ادیان بزرگ الهی

الف) حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (ع)

در آیین مقدس حضرت ابراهیم (علیه السلام) مسئله پوشش زنان، حائز اهمیت
بوده است. در کتاب تورات چنین می خوانیم: «رفقه چشمان خود را بلند کرده و
اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد. از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا
به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: «آقای من است.» پس برقع خود را گرفته، خود
را پوشانید.» از این بیان روشن می شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت
حضرت ابراهیم (علیه السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او
نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد. (دورانت، ۱۳۷۸)

ب) حجاب در آیین یهود

در اصول اخلاقی «تلمود» - که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است - آمده «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنجی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (دورات، ۱۳۷۸)

ج) حجاب در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می‌کند: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می‌نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوا می‌سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی‌پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می‌باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.»

پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه‌رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم‌تر خواهد بود و نیز در انجیل، در رساله پولس، به تیموتائوس می‌گوید: «و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کنند

د) آیین زرتشتی

پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است. (ضیاءپور، ۱۳۰۷)

ه) پوشش زنان عرب قبل از اسلام

شواهد متعددی از قرآن حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام، زنان برای حضور در اجتماع پوشش مناسب و مطلوبی نداشتند. به همین دلیل، همسران پیامبر - صلوات‌الله و سلامه علیه‌وآله - از متابعت آن‌الگو منع می‌شوند: یا نساء النبی لستن كأحد من النساء ان اتقینن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید. اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید. و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید. (احزاب، ۳۲-۳۳).

دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص‌ها و کاستی‌ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است: یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما.

ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و خدا آمرزندهٔ مهربان است (احزاب، ۵۹).

همین نکته، از آیات سوره نور نیز که دربارهٔ آن‌ها بحث خواهد شد، فهمیده می‌شود. شأن نزول آیهٔ ۳۰ سوره نور اشاره‌ای به کیفیت پوشش قبل از دستور حجاب دارد. در این شأن نزول آمده است: «كان النساء يتقنعن خلف آذانهن؛ زنان دنبالهٔ مقنعهٔ خود را به پشت گوش‌های خود می‌انداختند.» بنابراین، گلو و بناگوش آن‌ها هویدا بود. تاریخ‌پژوهان نیز این نکته را که زنان جزیرهٔ العرب حجاب مناسبی نداشته‌اند، تأیید می‌کنند. (جواد علی).

راهکارهای گسترش حیا، عفاف و حجاب در جامعه

۱. آگاهی‌بخشی به شیوه‌های جذاب و متناسب با ادبیات نسل جوان؛
۲. ارتقای سطح اخلاق و معنویات در جامعه، با استفاده از ابزار تشویقی و توسعهٔ فرهنگ کتاب‌خوانی در زمینهٔ اخلاق و معنویت؛
۳. مبارزه با مظاهر فساد و بی‌حرمتی و توجه به ورودی‌های فرهنگی از طریق ماهواره، اینترنت و ...؛
۴. جایگزین کردن برنامه‌هایی که با فرهنگ غنی دینی و ملی متناسب و در عین حال از جذابیت کافی برخوردار باشند؛
۵. توجه ویژه به دانش‌آموزان دبستانی و متوسطه و آموزش کارآمد و اصولی مفاهیم معنوی به آنان؛
۶. استفاده از رسانهٔ ملی جهت تبیین باورهای دینی و مفاهیمی چون حیا، عفاف و ... در مجموعه‌های داستانی و فیلم‌های سینمایی؛
۷. ارائهٔ الگوهای مناسب حجاب، با توجه به اوضاع زمانی و موفقیت‌های اجتماعی

افراد (قالب‌سازی و شکل‌دهی، همخوان با محیط)؛

۸. اهتمام در فراهم کردن شرایط ازدواج و تسریع در آن برای جوانان. (اسحاقی، ۱۳۸۷)

نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در آیین‌های چهارگانه، استنباط می‌گردد که حجاب در آیین‌های دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. بنابراین، نه تنها اسلام واضح قانون حجاب نبوده، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده است، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

اگرچه رسم حجاب در بین اقوام غیرعرب مرسوم بوده اما حجاب در بین زنان عرب نشئت گرفته از اقوام دیگر نیست. حکم حجاب به طور واضح در سال هشتم هجری نازل شد و این زمانی بود که هنوز اسلام از جزیره‌العرب پای بیرون نگذاشته بود و به دنبال آن، زنان مسلمان عرب از این دستور پیروی کردند. در دو سال باقی‌مانده از عمر رسول خدا(ص) گزارش‌هایی موجود است که آن جناب با کسانی که هنوز خود را با وضعیت جدید تطبیق نداده بودند برخورد می‌نمود.

منابع

قرآن کریم

انجیل، رساله پولس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵

تورات، سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۶ - ۸ و ۲۰ - ۲۱

ابن درید، محمد، **جمهره اللغه**، ذیل واژه حجب

جواد علی، **المفصل فی تاریخ العرب**، ج ۴، ص ۶۱۷؛ یحیی جبوری، الجاهلیه، ص ۷۲ و مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۳۸۵-۳۹۱

دورانت، ویل، **تاریخ تمدن**، ترجمه ابوطالب صارمی و...، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم: تهران ۱۳۷۱

راغب اصفهانی حسین، **مفردات الفاظ قرآن**، ذوی القربی، قم، ۱۴۱۶ ق

سال‌نمای ۱۳۷۲، انجمن زرتشتیان تهران،

ضیاءپور، جلیل؛ پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران

دختران زودتر از پسران چرا دختران زودتر از پسران مکلف می‌شوند؟

آیت‌الله جوادی آملی

اشاره

بلوغ یک شرافت است. آن‌ها که اهل سلوک‌اند می‌گویند ما مشرف شدیم نه مکلف، چون زحمت و مشقتی در کار نیست، بلکه شرف در کار است. لذا در مناجات‌ها ذاکرین امام سجاد (صلوات‌الله و سلامه علیه) می‌خوانیم: «یا من ذکره شرف». ای خدایی که ذکر تو مایهٔ شرافت است. اگر کسی به جایی برسد که ذکر خدا گوید و در سایهٔ این ذکر به یاد خدا و خدا هم به یاد او باشد، شرافتی نصیب او گردیده است و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می‌رسد.

توفیق زن بیش از مرد است و اگر انسان تنزل کند، حداقل باید بگوید زن همانند مرد است. زیرا تقریباً شش سال قبل از اینکه مرد مکلف بشود، زن را ذات اقدس‌اله به حضور پذیرفته است. زن همین که از نه سالگی گذشت و وارد دهمین سال زندگی

شد، خدا او را به حضور می‌پذیرد و با او سخن می‌گوید و روزه را بر او قرار می‌دهد و مناجات‌های او را به‌عنوان دستور مستحب شرعی گوش می‌دهد. آن وقتی که هنوز مرد به‌عنوان نوجوان مشغول بازی است، زن مشغول راز و نیاز و نماز است. شش سال زمینه‌سازی کردن و از دوران نوجوانی او را به حضور پذیرفتن، نماز را که عمود دین است و حج را که وفد الی‌الله است و مهمانان در آن سفر به ضیافتگاه خداوند می‌روند، بر زن واجب کردن، این‌ها همه نشانه آن است که زن برای دریافت فضایل شایسته‌تر از مرد است. و اگر این منطق درست تبیین و اجرا گردد، نتیجتاً معلوم خواهد شد که زن بالاتر از مرد و لاقلاً همتای مرد است. زن گرچه ممکن است طی دوران خاصی از برخی عبادات محروم باشد، اما تمامی آن‌ها جبران‌پذیر است، زیرا قضای روزه‌ها را به جا می‌آورد و برای نماز اگر وضو بگیرد و در مصلاهی خود رو به قبله بنشیند و به مقدار نماز ذکر بگوید، ثواب نماز را می‌برد. همان‌گونه که اگر مسافری پس از خواندن دو رکعت واجب، سی یا چهل بار تسبیحات اربعه را تکرار کند، جبران آن دو رکعت ساقط شده را خواهد کرد. پس این‌گونه از فضایل جبران‌پذیر است. عمده آن است که مرد وقتی پانزده سالگی را تمام نمود و وارد شانزدهمین سال زندگی شد، شایستگی خطاب الهی را کسب می‌کند و قبل از آن چنین لیاقتی ندارد، زیرا بلوغ زمینه‌تشریف به مقام عبودیت است. درباره‌ی یکی از علمای بنام شیعه، **ابن طاووس**، نقل شده است که روز بلوغش را جشن گرفت. او وقتی از پانزده سالگی وارد شانزدهمین سال زندگی شد، دوستان و آشنایان خود را به شکرانه‌ی اینکه من نمردم و سن من به حدی رسید که خدای سبحان با من سخن گفت و از من تکلیف طلب کرد، جشن گرفت. چون انسان تا قبل از بلوغ مورد خطاب تکلیفی خدا نیست و به هنگام بلوغ لیاقت می‌یابد که مورد خطاب خدای سبحان واقع شود. اما آیا این جشن در اسلام مشروعیت دارد و جزو سنن هست یا نه موضوعی جداگانه است. این جشن به شکرانه‌ی یک نعمت برگزار می‌شود و شاید مرحوم سیدبن طاووس زیر

پوشش اطلاقات اولیه که هر نعمتی به شما رسیده است حق شناس و شاکر باشید، چنین عملی را انجام داده باشد. بر این اساس، بلوغ یک شرافت است. آن‌ها که اهل سلوک‌اند، می‌گویند ما مشرف شدیم نه مکلف، چون زحمت و مشقتی در کار نیست، بلکه شرف در کار است. لذا در مناجات‌های **امام سجاد** (صلوات‌الله و سلامه علیه) می‌خوانیم: «یا من ذکره شرف»: ای خدایی که ذکر تو مایهٔ شرافت است. اگر کسی به جایی برسد که ذکر خدا گوید و در سایهٔ این ذکر، به یاد خدا و خدا هم به یاد او باشد، شرافتی نصیب او گردیده است و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می‌رسد. اگر چنانچه به این نکته دقت شود، قبل از اینکه مرد به راه بیفتد و در صراط مستقیم گام بردارد، زن بخش زیادی از این راه را طی کرده است. بنابراین، هم آن محرومیت‌هایی که زن در دوران خاص دارد قابل جبران است و هم شش سال قبل از مرد، از همهٔ مزایایی که مرد محروم است، برخوردار می‌شود. در پایان عمر نیز برای زنان غیر سادات پس از سن پنجاه سالگی سخن از ایام محرومیت نیست و در این مدت محرومیت نیز اولاً ایام عادت محدود و چند روز بیشتر نیست. ثانیاً، آن‌ها که باردارند و توفیق حمل امانت را دارند نیز محرومیت از عبادت شامل آن‌ها نمی‌شود، چون غالباً عادت با حمل جمع نمی‌شود. ثالثاً، مدت شش سالی که زن قبل از بلوغ مرد بالغه می‌شود، همهٔ نقص‌ها را ترمیم می‌کند. بنابراین، اگر نقصانی در ایمان باشد و علت آن هم نقص در عبادت باشد، نه تنها قابل جبران است، بلکه اگر زن به این فکر بیفتد که دوران شش ساله را مغتنم بشمارد، عظمتی فزون‌تر نیز خواهد یافت. از آنچه گفته شد روشن می‌شود، سر بیان حضرت امیر (سلام‌الله علیه) در نهج‌البلاغه که در وصف زن خطاب به امام **حسن مجتبی** (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فإن المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»: (نامهٔ ۳۱)، یعنی اینکه زن ریحان است، باید او را زودتر از مرد تحت تربیت و تکلیف قرار داد، در غیر این صورت ضایع می‌شود. روایتی دیگر نیز از **حضرت صادق** (سلام‌الله علیه) نقل شده است که می‌فرماید: «من اتخذ امرأة

فلیکرمها فاتما امرأة أحد کم لعبة فمّن اتخذها فما یضیعها» (بحار الانوار/ ۱۰۳/ ۲۲۴). مراد از لعب در روایت، بازیچه و اسباب بازی نیست، بلکه یعنی زن ریحانه است. این ریحانه را ضایع نکنید. اسلام به اولیای مدرسه و منزل دستور می دهد که به دخترها بیش از پسرها رسیدگی کنید. اگر تکلیف بر دختر شش سال قبل از پسر شروع می شود، بنابراین اولیای منزل و مدرسه مسئولیتشان نسبت به دخترها بیش از پسرهاست. روی این تحلیل معلوم می شود زن برای نماز و راز و نیاز زودتر از مرد آمادگی پیدا می کند و اگر احیاناً راههای عاطفی، زمینه های انحراف را پیش روی زن قرار دهد، تکالیف عبادی آن راهها را تعدیل می کند تا مبادا به انحراف برود.

منبع

زن در آیینه جلال و جمال، آیة الله العظمی جوادى املی

حجاب در نگاه دختران

نگرش به حجاب در میان دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های همدان

موسی طیبی نیا

چکیده

هدف از نگارش این مقاله، که برگرفته از یک کار پژوهشی است، بررسی میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه در استان همدان و رابطه بین ابعاد حجاب و عفاف با استفاده از روش پیمایشی است. مهم‌ترین نتایج این بررسی عبارت‌اند از:

بین میزان آگاهی و میزان باور و التزام عملی دانش‌آموزان نسبت به حجاب همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین بین میزان آگاهی و میزان باور و التزام عملی دانش‌آموزان نسبت به عفاف همبستگی مثبت وجود دارد. و بالأخره اینکه رابطه دو سویه حجاب و عفاف رابطه‌ای مثبت و معنادار است، یعنی این دو بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. اما کل اثر علی مدل عفاف بر حجاب بیشتر از کل اثر علی مدل حجاب بر عفاف است و شاخص‌های برازش آن قوی‌تر و مناسب‌ترند.

مقدمه

عفاف و حجاب یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع بشری و به‌ویژه جامعه اسلامی است. این دو واژه، با آنکه غالباً در کنار هم به کار می‌روند، با هم تفاوت دارند. از نظر لغوی، حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می‌شود. برخی گفته‌اند: حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن است و برخی نیز حجاب را به معنای «پرده» می‌دانند. با توجه به معانی ذکر شده درمی‌یابیم که از یک جنبه، حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، یعنی پوشش ظاهری افراد و به‌ویژه زنان را حجاب می‌گویند، که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. البته حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش ظاهری مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست. عفاف نیز معانی گوناگونی دارد. در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است. گاه به معنای خودنگهداری و پاکدامنی است که در مورد برخی افراد آمده است و گاه به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است.

در این تحقیق مفهوم اولی یعنی خودنگهداری از شهوت و مسائل جنسی مورد نظر است. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه بازمی‌دارد. حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است. بنابراین، عفت فلسفه و علت وجودی حجاب است (میرعارفین، ۱۳۸۵: ۱۹۲).

از شاخص‌های مهم و اصلی، تغییرات فرهنگی و ارزشی دو مقوله حجاب و عفافند که به‌نظر می‌رسد برای جامعه و برنامه‌ریزان فرهنگی مسئله‌ای اساسی باشند. به همین جهت، برای جلوگیری از عوارض بی‌عفافی و به‌دنبال آن بی‌حجابی و بدحجابی

و در نتیجه افزایش جرم و جنایت در این حوزه، قبل از هر چیز باید مسئله را، به ویژه در بین اقشار نوجوان و جوان، به خوبی شناخت. از این رو توجه به سؤالات زیر اساس کار این مقاله خواهد بود:

۱. وضعیت آگاهی، باورها و التزام عملی نسبت به حجاب و عفاف در بین دانش آموزان دختر چگونه است؟

۲. بین حجاب و عفاف و ابعاد آن‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟

روش مطالعه

روش این مطالعه، به صورت پیمایش توصیفی و تحلیلی از نوع مقطعی است. جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه دولتی (سال‌های اول، دوم و سوم تمامی رشته‌ها) در مناطق ۱۹ گانه استان همدان. حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و با فرض بودن یا نبودن صفت آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف، به نسبت ۵۰ به ۵۰ بر اساس جدول لین (لین، ۱۹۷۸: ۳۸۷). با خطای ۰/۰۵ شامل ۱۰۶۹ نفر بود که برای مناطق برخوردار ۳۷۷ نفر، نیمه برخوردار ۳۷۰ نفر و محروم ۳۲۲ نفر انتخاب گردید.

مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری در این مطالعه روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. با استفاده از این روش، ابتدا خوشه‌های اصلی انتخاب شدند که شامل مناطق برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم از لحاظ امکانات آموزشی‌اند (۱۹ منطقه آموزشی در قالب سه خوشه اصلی فوق قرار گرفتند).

در مرحله دوم، به طور تصادفی از خوشه‌های اصلی برخوردار، سه خوشه فرعی، نیمه‌برخوردار، پنج خوشه فرعی و محروم، سه خوشه فرعی انتخاب شد. در مرحله سوم از میان یازده خوشه انتخاب شده، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، جهت انتخاب تصادفی نمونه‌ها اقدام شد.

یافته‌های تحقیق

میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف

جدول ۱ بیانگر توزیع دانش‌آموزان بر حسب میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف در نمونه مورد بررسی بالاتر از میانگین مقیاس (فرضی) متناظر با هر یک از ابعاد سه‌گانه بوده و تفاوت بین میانگین مقیاس و نمونه نیز در هر مورد در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۱. میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف در بین دانش‌آموزان مورد مطالعه

شاخص‌های آماری	تعداد	میانگین فرضی	میانگین نمونه	انحراف معیار	تفاوت دو میانگین	سطح معناداری
حجاب و عفاف						
میزان آگاهی نسبت به حجاب	۱۰۶۹	۱۸	۱۸/۲۴	۴/۶۹	۰/۲۴	$P_{\leq 0.01}$
میزان آگاهی نسبت به عفاف	۱۰۶۹	۱۶	۱۹/۳۶	۵/۵۸	۳/۳۶	$P_{\leq 0.01}$
میزان باور به حجاب	۱۰۶۹	۳۹	۵۱/۴۸	۸/۸۲	۱۲/۴۸	$P_{\leq 0.01}$
میزان باور به عفاف	۱۰۶۷	۳۶	۴۷/۳۷	۶/۴۴	۱۱/۳۷	$P_{\leq 0.01}$
میزان التزام عملی به حجاب	۱۰۶۹	۳۳	۳۴/۴۴	۵/۰۴	۱/۴۴	$P_{\leq 0.01}$
میزان التزام عملی به عفاف	۱۰۶۹	۳۳	۴۲/۳۴	۶/۹۶	۹/۳۴	

بنابراین می‌توان گفت، در نمونه مورد بررسی میزان آگاهی، باور و التزام عملی به حجاب و عفاف نسبتاً بالا بوده اما به جز بُعد باور، در دو بُعد دیگر (آگاهی و التزام عملی) عفاف در بین دانش‌آموزان بیشتر از حجاب بوده است.

رابطه بین ابعاد حجاب (آگاهی، باور و التزام عملی)

نتایج جدول ۲، بیانگر رابطه بین ابعاد حجاب است. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به حجاب و میزان باور آن‌ها

به حجاب، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/246$) در سطح ۹۹ درصد، اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

جدول ۲. همبستگی بین ابعاد حجاب

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	نام متغیر
۰/۰۰۰	۰/۲۴۶	میزان آگاهی نسبت به حجاب / میزان باور به حجاب
۰/۰۰۰	۰/۱۷۳	میزان آگاهی نسبت به حجاب / میزان التزام عملی به حجاب
۰/۰۰۰	۰/۳۹۵	میزان باور به حجاب / میزان التزام عملی به حجاب

بین میزان آگاهی دانش آموزان نسبت به حجاب و میزان التزام عملی آن‌ها به حجاب، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/173$) در سطح ۹۹ درصد، اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

بین میزان باور دانش آموزان به حجاب و میزان التزام عملی آن‌ها به حجاب، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/395$) در سطح ۹۹ درصد، اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

رابطه بین ابعاد عفاف (آگاهی، باور و التزام عملی)

نتایج جدول ۳، بیانگر رابطه بین ابعاد عفاف است. همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، بین میزان آگاهی دانش آموزان نسبت به عفاف و میزان باور آن‌ها به عفاف، با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/313$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

جدول ۳. همبستگی بین ابعاد عفاف

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	نام متغیر
۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	میزان آگاهی نسبت به عفاف / میزان باور به عفاف
۰/۰۰۰	۰/۱۸۲	میزان آگاهی نسبت به عفاف / میزان التزام عملی به عفاف
۰/۰۰۰	۰/۴۸۹	میزان باور به عفاف / میزان التزام عملی به عفاف

بین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به عفاف و میزان التزام عملی آن‌ها به عفاف، با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/182$) در سطح ۹۹ درصد، اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

بین میزان باور دانش‌آموزان به عفاف و میزان التزام عملی آن‌ها به عفاف با توجه به سطح معناداری به‌دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/489$) در سطح ۹۹ درصد، اطمینان همبستگی مثبت وجود دارد.

همچنین رابطه دو سویه حجاب و عفاف رابطه‌ای مثبت و معنادار است، یعنی این دو بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. اما کل اثر علی مدل عفاف بر حجاب بیشتر از کل اثر علی مدل حجاب بر عفاف است و شاخص‌های برازش آن قوی‌تر و مناسب‌ترند.

نتیجه‌گیری

رفتارهای فردی و اجتماعی کنشگران تابعی از گرایش‌های آن‌ها نسبت به رفتارهای موردنظر است. گرایش دو بعد اساسی یعنی آگاهی و احساس (باور) دارد. این ابعاد زمینه به‌وجود آوردن یا نیاوردن کنش مطلوب را فراهم می‌سازند. یکی از کنش‌های اجتماعی که در این مقاله به آن پرداخته شده، حجاب و عفاف است. دو

بعد گرایشی حجاب و عفاف همان آگاهی و باور نسبت به حجاب و عفاف است و بعد کنشی (رفتاری) این دو پدیده التزام عملی به رعایت آن‌هاست.

بر اساس نتایج این مطالعه، ابعاد عفاف، به‌ویژه بُعد آگاهی و التزام عملی، در بین دانش‌آموزان به نسبت بالاتر از ابعاد حجاب است. یکی از دلایل این مسئله تأکید بسیاری از افراد و خانواده‌ها بر حجاب باطن است تا حجاب ظاهر. لذا نیت درونی را مهم‌تر از رفتار ظاهری می‌دانند. همچنین، گاهی تأثیر رسانه‌ها در زمینه ترویج مدگرایی و فرهنگ مصرف‌زدگی، خواسته یا ناخواسته سبب گرایش و جذب قشر نوجوان و جوان به آراستن تن و ظواهر بر اساس الگوهای موردانتظار شده است، بدون آنکه کنشگران این عرصه خواهان بی‌عفتی باشند.

دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است، یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است. چون عفت حالتی درونی است، ولی با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است، بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.

نتایج این مطالعه نیز بیانگر همین موضوع است، به طوری که در تحلیل نهایی مشخص شد که کل اثر علی مدل عفاف بر حجاب (۰/۷۴) بیشتر از کل اثر علی مدل حجاب بر عفاف (۰/۶۴) است.

بنابراین می‌توان گفت، رابطه دو سویه حجاب و عفاف رابطه‌ای مثبت و معنادار است، یعنی این دو بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. اما عفاف تأثیر شدیدتری بر حجاب دارد، در حالی که تأثیر حجاب بر عفاف، به نسبت کمتر اما معنادار است.

از این رو هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد و بالعکس، هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد در مواجهه با نامحرم باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر می‌گردد.

علاوه بر این، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه علامت و صاحب علامت نیز هست. به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است. همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست.

منبع

میرعارفین، زهره سادات (۱۳۸۵). عفاف زن در متون مقدس بینات. شماره ۵۱.

چه باید کرد؟

تحلیل اجتماعی و فرهنگی حجاب در دوران کنونی و ارائه راهکارها

بهرام فاتح عسگر خانلو

دبیر دین و زندگی دبیرستان مغان صنعت پارس آباد مغان، استان اردبیل

چکیده

حجاب یکی از نشانه‌های زنان مسلمان و جامعه اسلامی و از جمله مفاهیمی است که کثرت استعمال آن در مباحث و در جوامع مختلف، تبیین معنای دقیق آن را ایجاب می‌کند. چرا که در دوران حاضر - که از آن با نام پست‌مدرن یاد می‌کنند - معیارها نسبی شده است.

در پژوهش حاضر، با توجه به چالش نوپدیدی که جامعه جهانی و به خصوص جامعه ایرانی با آن دست به گریبان است، مسئله حجاب مورد بررسی قرار گرفته است. در حال حاضر بخشی از جامعه ایرانی دچار بی‌هویتی فرهنگی و دینی شده که ناشی از دسیسه‌های دشمنان و نیز اقتضائات دوره پست‌مدرن است، که بسیاری از افراد جامعه ناخواسته به آن دچار شده‌اند. از این رو با بررسی دقیق وضعیت حاضر و

شرایط حاکم بر جهان باید به چاره‌جویی پرداخت.
از جمله علل و عوامل بی‌حجابی مندرج در این مقاله، خودنمایی انسان‌ها، رسانه‌ها، جهانی شدن و نظام سرمایه‌داری، ذکر شده است. و در آخر نیز با توجه به مطالب گفته شده راهکارهایی برای آن پیشنهاد شده که عبارت‌اند از: تنظیم معیارهای مناسب، الگودهی اسلامی، همکاری آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌ها و مهندسی فرهنگی مسئلهٔ حجاب.

کلیدواژه‌ها: حجاب، عصر پست‌مدرن، فرهنگ حجاب، اسلام، چالش‌ها

مقدمه

حجاب همواره یکی از شاخصه‌های اجتماعی دین‌داری تلقی شده است. مطالعات تاریخی در ادیان الهی نشان‌دهندهٔ این نکته است که پوشش مناسب همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی بوده است. به طوری که تمامی تصاویر به جای مانده از زنان معنوی همراه با حجاب است و این امر به هیچ‌وجه مورد خدشه قرار نگرفته است. مسئلهٔ حجاب در چند قرن اخیر افت و خیزهای فراوانی را تجربه کرده است. با آغاز رنسانس و شکل‌گیری جنبش‌های ضد دینی در اروپا حجاب به عنوان یکی از نمادهای اجتماعی دین‌داری مورد حملهٔ روشنفکران واقع شد و با گذشت زمان نه تنها حجاب و پوشش مورد بی‌مهری قرار گرفت، بلکه برهنگی و مدگرایی به یکی از شاخصه‌های دنیای مدرن تبدیل گردید. (مطهری، ۱۳۸۲)

موضوع کشف حجاب نوین یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین جرم‌ها و منکرات آشکاری است که نظام انقلاب اسلامی را به چالش کشیده است. حجاب در جامعهٔ مسلمانان مانند دستگاه حرارت‌سنجی است که از ضمیر و درون خانواده‌ها و عملکرد فرهنگ رایج پیام می‌آورد.

مباد که از حجاب اسلامی تنها نامی بماند.

مفهوم و ابعاد حجاب

حجاب در لغت معانی مختلفی دارد، مانند پوشش، پرده، منع و آنچه میان دو چیز واقع شود (انوری، ۱۳۸۱). در زبان عربی به «ابرو» از آن جهت «حاجب» می‌گویند که در نقش پرده و مانعی برای چشم در برابر شعاع خورشید عمل می‌کند. بر این اساس، حجاب مانع ملاقات طرفین با یکدیگر از راه حواس لامسه و باصره است.

این مانع گاه معنوی است، مانند آنچه در قرآن کریم درباره شیوه‌های وحی بر نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «...مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» (الشوری/۵۱) و گاه مادی است؛ مانند آنچه درباره شیوه تعامل با همسران پیامبر آمده است: «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» (الأحزاب/۵۳)

از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریح حکم الهی و وجوب حجاب اسلامی، دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاک‌دامنی است. از جمله: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» (نور؛ ۳۰)؛ «ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است».

علل افزایش بی‌حجابی در دوران کنونی

۳۰

در زمان جنگ جهانی دوم، زنان بیش از هر زمان دیگر، گروه‌گروه به نیروهای کارگری می‌پیوستند و ده‌ها میلیون زن، که پیش از آن صرفاً به کارهای خانگی مشغول بودند، به سوی بازارهای کار گرایش یافتند. این فرایند موجب شد زنان و مردان درباره جایگاه و هویت اجتماعی زن بیندیشند. از آنجا که به زعم صاحبان سرمایه، افزایش آگاهی و ارتقای موقعیت اجتماعی زنان

با بهره‌کشی از آن‌ها ناسازگار بود، به تبلیغ نظریه «راز و رمز» زنانه پرداختند. هدف این پیکار گسترده اقتصادی و ایدئولوژیکی، ایجاد تغییر در تحولاتی بود که در نگرش شایسته زنان پدید آمده بود.

این جریان [سرمایه‌داری] درصدد بود تا در بین زنان شاغل و غیرشاغل، تبلیغ نماید که آن‌ها بیش از همه چیز باید زیبا و فریبا باشند و باید از هر چیزی که زیبایی و طراوت آن‌ها را به خطر می‌اندازد، اجتناب کنند.

در سال ۱۹۵۴، هم‌زمان با رکود سرمایه‌داری، سود صنایع آرایشی به شدت کاهش یافت و فروشندگان بزرگ لوازم آرایشی برای اینکه بتوانند «یورش بزرگ عملیاتی» خود را به اجرا درآورند، از جملات خاصی درباره لوازم آرایشی استفاده کردند تا از این طریق بتوانند خریدارانی را برای لوازم آرایشی خود جذب کنند. همچنین بنگاه‌های سرمایه‌داری با استفاده از نامنی اقتصادی زنان سعی می‌کردند آنان را به خرید لوازم آرایشی وادار سازند. (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶)

گرایش زنان به آرایش، از راه رویکردهای متفاوتی قابل تبیین است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیرند:

رویکرد اقتصادی - اجتماعی

در بازار رقابت جنسی، که از ویژگی‌های سرمایه‌داری است، زنان ناگزیرند برای رسیدن به امنیت، با زنان دیگر رقابت کنند. بر مبنای این رویکرد زنان از روی هوا و هوس به لوازم آرایش روی نمی‌آورند، بلکه به علت فشار اجتماعی است که از لوازم آرایش استفاده می‌کنند.

رویکرد ظاهرگرایی

مطابق این رویکرد، استفاده از لوازم آرایشی خوب و ضروری است؛ زیرا به زیبایی

زنان کمک می‌کند. استفاده از لوازم آرایشی در جامعه‌ای که ارزش زن را به زیبایی و جوانی او می‌داند، حق زنان است. در روزگار پیشین، هرگاه زنی به چهل سالگی می‌رسید، او را پیر و نازیبا می‌انگاشتند. پس، این بخشی از نهاد و روان هر زن بهنجار است که برای نگاه‌داری زیبایی و جوانی خود تلاش کند.

رویکرد اخلاقی

در این رویکرد معیار زیبایی عمدتاً شامل خرد، بی‌باکی، روشنفکری، صداقت، عاطفه و سایر فضائل اخلاقی است. یک چهره آرایش کرده نیز می‌تواند نشانگر همه این فضیلت‌ها باشد و بدین طریق به زیبایی می‌توان دست یافت.

عوامل تأثیرگذار در روند بی‌حجابی عصر حاضر

خودنمایی فردی

الکساندر ماری در طبقه‌بندی بیست‌گانه نیازها، «نیاز به خودنمایی» را مطرح و آن را این‌طور تعریف می‌کند: «نیاز به خودنمایی یعنی خود را طرف توجه قرار دادن، روی دیگران تأثیر گذاشتن، دیگران را تحریک کردن، کنجکاوای آن‌ها را برانگیختن و آن‌ها را سرگرم کردن.» (رحیمی‌نیک، ۱۳۷۴: ۲۱)

«**کرونباخ**^۱ در طبقه‌بندی نیازها، «نیاز به تأیید و تحسین همگنان» را مطرح می‌کند. از دیدگاه او انسان نیازمند به تأیید و پذیرش همگنان خویش است. کودک آرزو می‌کند گروه همسالانش او را بپذیرند، کارمند می‌خواهد همکارانش او را تأیید کنند و به طور کلی هر فرد نیازمند پذیرش همگنان و سایر کسانی است که با آن‌ها داد و ستد اجتماعی دارد.» (همان: ۲۷)

انسان‌ها برای ارضای نیاز به احترام و تأیید و منزلت خویش، در پی آن هستند که از یک سو هم‌رنگ دیگران باشند تا مبادا مورد سرزنش و اهانت قرار گیرند و از سوی

دیگر سعی می‌کنند تا از دیگران عقب نمانند و حقوقشان ضایع نشود و به این ترتیب حرمت خود را از دست ندهند.

در کنار این عوامل، نیاز به احترام، تأیید و منزلت در به هم خوردن تعادل نیازها و پیدایش استانداردها و هنجارهای جدید نیز نقش مؤثری دارد؛ به این معنی که عده‌ای به سبب داشتن احساس برتری خانوادگی، اقتصادی، فکری، جسمی و...، قدرت‌طلبانه در پی یافتن طرق جدید ارضای نیاز برمی‌آیند.

به این ترتیب، عموماً به دلایل فوق، طرق جدیدی جهت ارضای نیاز به وسیلهٔ معدودی از افراد وارد جامعه می‌شود. البته این طرق جدید، تعادل نیازها و هنجارهای اجتماعی موجود را بر هم نمی‌زند و تنها زمانی این طرق جدید به استانداردها و هنجارهای جدید تبدیل می‌گردند که به وسیله عده‌ای از اعضای جامعه شناخته و به کار گرفته شوند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۰)

رسانه‌ها

رسانه‌ها از طریق ارائهٔ هنجارهای خاص اجتماعی به افراد تلقین می‌کنند که رفتار ارائه شده در رسانه، رفتار مناسب اجتماعی است. رسانه‌ها به شکل‌گیری نوعی «همگنان»‌های جدید کمک کرده‌اند که شاید بتوان آن‌ها را «همگنان‌های عصر مدرن» یا «همگنان‌های الکترونیکی» نام نهاد. ویژگی اساسی آن‌ها داشتن «تصورات قالبی»، «درونی‌سازی^۲» و دارا بودن «ذهن شرطی‌شده^۳» است. (هوور، لاندبای، ۱۳۸۲)

رسانه و فناوری نوین به تدریج فرهنگ ما را به فرهنگ بصری تبدیل کرده است. (لش^۴، ترجمهٔ چاوشی، ۱۳۸۲) آن‌ها باعث بلوغ زودرس کودکان، تأکید بر داشتن دین سطحی و ظاهری، تزلزل ارزش‌های دینی، کثرت‌گرایی، هویت‌زدایی از جوامع، تأثیر بر افکار عمومی، بدعت و... می‌شوند.

تولیدکنندگان بزرگ در جهت کسب منافع بیشتر و جلوگیری از ورشکستگی خود

در بسیاری از مناطق جهان، به تولید و عرضه مد از طریق رسانه‌ها اقدام کرده‌اند و انواع مد و بی‌حجابی را از طریق تبلیغات ماهواره و شبکه‌های مختلف جهانی رواج داده‌اند.

جهانی‌سازی^۶

بر پایه نظریه امپریالیسم فرهنگی، هرچند جهانی شدن فرهنگی همچون پدیده‌ای فراتاریخی و فراملی یا نیرویی متعالی و جهانی نمودار می‌شود ولی در واقع چیزی جز صدور کالاها، ارزش‌ها و اولویت‌های شیوه زندگی غربی نیست.

آنچه در عرصه جهانی، فرهنگ رایج و مسلط می‌شود و صنایع فرهنگی غربی آن‌ها را عرضه می‌کنند، تصورات و مصنوعات و هویت‌های تجدد غربی‌ست. این صنایع بر شبکه‌های جهانی مسلط هستند و امکان چندان برای روابط متقابل و تبادل فرهنگی برابر میان غرب و بقیه جهان باقی نمی‌گذارد. (هال، ۲۰۰۲، ۷)

تأثیرات جهانی‌سازی عبارت‌اند از: تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات بومی، نسبی‌گرایی، هویت مجازی، سکولاریزاسیون، تک‌فرهنگی^۸ شدن، گسترش زبان انگلیسی، کاهش اقتدار ملی، فرهنگ مصرف‌گرایی و... در چنین شرایطی شاهد نابودی ارزش‌های ایدئولوژیک، فرهنگی و هویتی جوامع دیگر خواهیم بود و در مسیر بهره‌مندی از مزایای احتمالی مادی غرب، تحت تأثیر فرهنگ لیبرالی غرب قرار خواهیم گرفت. (رضایی‌زارچی، ۱۳۸۵)

بسیاری از منتقدان فرهنگی جهانی‌سازی معتقدند که فرهنگ آمریکایی با همه مظاهرش در حال عالم‌گیر شدن و نفی بقیه موجودیت‌های فرهنگی است. این نظام اجتماعی بر ظاهرسازی روبنایی مثل پوشیدن لباس متفاوت، استفاده از مدل‌های عجیب و غریب و آرایش موی سر به سبک‌های خاص تأکید دارد که می‌توان از گروه‌هایی مانند پانک^۹ و رپ^{۱۰} و... نام برد. (نراقی، ۱۳۵۶)

امروزه در هر کدام از بخش‌های مد، سوداگران از طریق لوازم آرایش، سالن‌های آرایش، سالن‌های لاغری، سالن‌های زیبایی، جواهرات (چه بدلی و چه واقعی) و مانند آن‌ها، میلیاردها دلار به جیب می‌زنند. سوداگران کشف کرده‌اند که زیبایی فرمول بسیار انعطاف‌پذیری است. برای ثروتمند شدن تنها کافی است کسی چیز تازه‌ای کشف کند که کمک کار زیبایی وی باشد و بعد خیل عظیم زنان را قانع کنند که به این زیبایی تازه نیازمندند و آن را می‌خواهند، با این توضیحات:

۱. زنان از روز ازل برای جلب توجه مردان به جاذبه جنسی خود، با هم رقابت کرده‌اند و چون این پدیده در اصل یک قانون بیولوژیکی است، پس از آن گزیری نیست. باید به این تقدیر تن در دهند و تا ابد در بازار جنسی سرمایه‌داری به رقابت و چشم و هم‌چشمی ادامه دهند.

۲. چیزی که در جامعه نوین به حساب نمی‌آید، زیبایی طبیعی زنان است. در جامعه سرمایه‌داری زیبایی طبیعی زنان نیز به تدریج جای خود را به زیبایی مصنوعی داد. به عبارت دیگر، زیبایی بر مبنای مد روز به وجود آمد و این اسطوره پا گرفت که زیبایی و مد از یک مقوله‌اند و نیاز به مد در همه زنان مشترک است؛ زیرا نیاز به زیبایی در همه آنان مشترک است.

تاریخ نشان می‌دهد که معیارهای مرسوم و نوین زیبایی پدیده‌ای دائمی و فراگیر نیست. استفاده کنونی زنان از لوازم آرایش پدیده‌ای بالنسبه تازه است. حمله ما به مد به این معنا نیست که ما با لباس خوب یا حتی لباس‌های متنوع و همچنین تغییر نوع لباسی که می‌خواهیم بپوشیم، مخالفیم. چیزی که با آن مخالفیم مسابقه زشت جامعه سرمایه‌داری برای خریدن کالاهایی است که به ما تحمیل شده است و در واقع نیازی به آن‌ها نداریم.

دیگر عوامل و آسیب‌های تهدیدکننده فرهنگ حجاب و پوشش اسلامی

۱. کاستی‌های نظام آموزشی کشور در مورد توجه به پرورش اخلاقی و معنوی حجاب دانش‌آموزان و دانشجویان و انتقال ارزش‌های اسلامی به آن‌ها؛
۲. نقایص و ضعف‌های رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، خصوصاً صدا و سیما، در مورد اشاعه و ترویج فرهنگ حفظ حجاب (برای مثال، پخش سریال‌های تلویزیونی ساخته شده توسط کشورهای عربی و اسلامی که زنان بدون پوشش اسلامی حضور دارند، غیرمستقیم این تفکر را ترویج می‌کند که مسلمان بودن با حفظ حجاب ملازمه‌ای ندارد)؛
۳. فراموش شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در نزد افکار عمومی و «فضولی» تلقی شدن آن؛
۴. توجه ناکافی مراکز و نهادهای دینی نسبت به پرداختن به مقوله حجاب و فلسفه پوشش در اسلام؛
۵. نبودن مقابله جدی، ریشه‌ای و همه‌جانبه نهادهای انتظامی و قضایی با مظاهر بدحجابی در جامعه؛
۶. رایج شدن استفاده از برنامه شبکه‌های ماهواره‌ای و توزیع و تکثیر سی‌دی‌های ضداخلاقی به طور گسترده در میان جوانان. دختران بیش از همه با این مسئله که «من کیستم؟» مواجه‌اند و به راستی حیران هستند که رضایت خاطر واقعی از زندگی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ در چنین جهانی که هنوز زنان در معرض نگاه‌های خیره دیگران‌اند و قضاوت درباره آنان بسیار بیش از مردان، بر اساس ظاهرشان استوار است، زنان جوان باید بتوانند در ارتباط‌های خانوادگی و اجتماعی‌شان، موازنه قدرت را برقرار کنند و آن را از جهت‌گیری و بنا شدن بر هویت بدنی‌شان بچرخانند. (گیدنز^۳، ۱۳۸۲) پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که در ایران امروز، خود‌درمانی که مستلزم خودشناسی و تفکر منظم درباره

زندگی ست، در زنان بیشتر صورت می‌گیرد و با خودنگری آغاز می‌شود. نتیجه آن آگاهی بیشتر از اندیشه‌ها و عواطف جسمانی و احتمالاً بروز تغییرات رفتاری و ساختن مسیر زندگی بر اساس آرمان‌های جدید است. بازتعریف‌های هویتی و بازنگری‌های رفتاری در بین زنانی که از سرمایه فرهنگی و استقلال اقتصادی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند بیشتر است. زن ایرانی مسلمان، چنانچه عناصر ارزشمند فرهنگ ملی و دینی خود را بشناسد، قدرت مقاوت و مبارزه‌اش با مصرف‌زدگی، تفرّد، مادی‌گرایی و خودشیفتگی برآمده از مدرنیته غربی بیشتر می‌شود.

یکی از رسالت‌های نهادهای خانواده، مدرسه و دانشگاه و مهم‌تر از همه رسانه‌های همگانی، برنامه‌ریزی جامع فرهنگی و مقابله با این آسیب‌هاست. متأسفانه معما پارادوکس جامعه ما این است که از سویی تبعیت از تفکر دینی را رواج می‌دهد، تفکری که ذهن و روح را بر بدن مقدم و اولی می‌شمارد و سعادت را نه در گرو مصرف بیشتر و کالاپرستی بلکه در خدمت به خلق می‌داند و در همه چیز و از جمله در مصرف، تعادل را توصیه می‌کند، و از سوی دیگر می‌بینیم، چه در رسانه‌های جمعی و چه در کوچه و خیابان، برای مصرف بیشتر و برای خرید کالاهای دارای مارک‌های خاص و نیز برای رژیم‌های گوناگون بدن‌سازی (اعم از آرایشی، بهداشتی و زیبایی) تبلیغات صورت می‌گیرد و به نوعی خرید بیشتر و مصرف هرچه فزاینده‌تر تبلیغ می‌شود. ضروری است که این مسائل در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور، به‌ویژه در رسانه‌های عمومی، مورد توجه، بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

ما باید معیارهای خاصی برای زیبایی داشته باشیم و ملاک سنجش زیبایی نباید زیبایی ظاهری باشد. چرا که برترین زیبایی، زیبایی درون، باطن و نیت پاک انسان‌هاست. همان‌طور که شاعر پرآوازه‌ای چون سعدی می‌گوید: صورت زیبای ظاهر هیچ نیست/ ای برادر سیرت زیبا بیار، که بر زیبایی درون تأکید می‌کنند. در این راستا معیارهای ما باید برخاسته از الگوهای نمونه دینی و اسلامی

شخصیت‌هایی همچون فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام باشد. برای همین به مدد آموزش و پرورش و آموزش عالی و الگودهی مناسب و با اراة برنامه‌های مناسب از طریق رسانه‌ها لازم است مسئله حجاب اسلامی تبلیغ و تحکیم گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. Cronbach
2. Internalization
3. Conditioned mind
4. Hoover & Lanbay
5. Lach
6. Globalization
7. Held
8. Monoculture
9. Pank
10. Rap
11. Marx
12. Weber
13. Gidnes

منابع

- قرآن کریم.
۱. رحیمی نیک، اعظم؛ تئوری‌های نیاز و انگیزش، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
 ۲. رضایی‌زارچی، محمدرضا؛ «بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی»، پایان‌نامه، ۱۳۸۵.
 ۳. رفعت‌جاه، مریم؛ «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد، فصل‌نامه کتاب زنان، ۱۳۸۶.
 ۴. رفیع‌پور، فرامرز؛ جامعه‌روستایی و نیازهای آن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۰.
 ۵. -----؛ توسعه و تضاد، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۴.
 ۶. گیدنز، آنتونی؛ تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
 ۷. لیش، اسکات؛ جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲.
 ۸. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.
 ۹. نراقی، احسان؛ جامعه، جوانان، دانشگاه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
 ۱۰. هور، استورات ام. و نات لاند‌بای؛ رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۲.
 11. Held, Daviad and McGrew A.G (2002). Globalization/ anti Globalization, combridge, polity.

حجاب؛ گرایش یا گریز؟

بررسی تمایل یا عدم تمایل دانش‌آموزان به رعایت حجاب

مولود مهدی زاده

دبیر دبیرستان‌های اصفهان

چکیده

ریشه‌ی بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را باید در لابه‌لای اندیشه‌ها و باورهای آنان جست‌وجو کرد. اندیشه‌های جوان ما آن گونه که باید راهنمایی نشده‌اند و از این نظر بسیار به راهنمایی نیازمندند. نسل جوان جامعه‌ی ما، برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، لجوج نیست و برای دریافت حقایق دینی بسیار آمادگی دارد. تنها لازم است این حقایق به گونه‌ای جذاب و دلخواه در اختیار آن‌ها قرار گیرد. با هدف شناسایی عوامل برانگیزنده یا بازدارنده «رعایت حجاب» پژوهشی با روش پرسشنامه‌ای انجام داده‌ایم.

روش اجرای پژوهش

این پژوهش به روش پرسش‌نامه‌ای انجام شد. پرسش‌نامه مورد استفاده فاقد نام و هرگونه مشخصات بود تا حداکثر اعتماد افراد مورد مطالعه به‌دست آید (نمونه آن به پیوست مقاله آمده است).

برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها، به کلاس‌های درس چند دبیرستان دخترانه در اصفهان مراجعه شد و شمار ۲۲۷ پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان دختر توزیع گردید. پس از بیان توضیحات مختصر و دادن فرصت برای پرس کردن آن، پرسش‌نامه‌ها به‌گونه‌ای محرمانه جمع‌آوری گردید (دانش‌آموزان فرم‌ها، را پس از تا کردن در صندوق‌های ویژه انداختند). پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل پاسخ‌های داده شده، نتایج پژوهش به‌دست آمد.

نتایج

در این بررسی، که از دانش‌آموز دختر دبیرستانی درمورد فرهنگ حجاب پرسش شده بود، نتایج زیر به دست آمد.

از ۲۲۷ دانش‌آموز یاد شده، ۵ درصد (۱۱ نفر) افراد بی‌حجاب و ۹۵ درصد (۲۱۶ نفر) با حجاب بوده‌اند. از کل افراد، ۳۱ درصد تمایل خود را به استفاده از چادر، ۵۴ درصد به مقنعه و ۱۵ درصد به روسری ابراز کرده‌اند. ۹۳/۴ درصد این دانش‌آموزان قبلاً هم با حجاب بوده‌اند و در ۹۷ درصد، افراد خانواده آن‌ها هم با حجاب بوده‌اند. بنابر اظهار نظر ۵۵ درصد دانش‌آموزان فلسفه حجاب هیچگاه برای آنان به‌طور منطقی بیان نشده است و از سوی دیگر، ۲۲ درصد آن‌ها دلیل با حجاب بودن را نمی‌دانند. همچنین ۹۰ درصد این دانش‌آموزان از شیوه برخوردی که در جامعه با بدحجابی می‌شود، راضی نیستند.

از نظر دانش‌آموزان در این پژوهش، عوامل مؤثر در گسترش فرهنگ حجاب، به

ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: تأکید بر جنبه‌های مثبت حجاب، بیان فلسفه و فواید حجاب برای نوجوانان و جوانان، معرفی الگوی مناسب و اتخاذ روش دوستانه و مؤدبانه در برخورد با بی‌حجابی. آموزش رفتار درست زن و مرد با یکدیگر در جامعه و آموزش احکام مربوط به حجاب مهم‌ترین این عوامل‌اند. نظر این دانش‌آموزان در خصوص تمایل داشتن یا نداشتن افراد به حجاب در جدول شماره ۱ و ۲ آمده است.

جدول ۱. دلایل تمایل افراد به حجاب

درصد	دلایل
۶۶	چون دستور دین است.
۵۹	برای بالا بردن ارزش خودشان
۵۱	دوست داشتن حجاب
۵۱	برای آرامش روان
۴۸	برای مصونیت زن
۴۵	برای سلامت جامعه
۳۳	برای استحکام پیوند خانواده
۳۲	برحسب عادت
۲۴	اجبار اطرافیان
۲۰	نبودن امنیت اجتماعی
۱۸	برای یافتن شغل مناسب

■ **توضیح:** یک دانش‌آموز می‌توانست بیش از یک علت را علامت بزند و به همین دلیل مجموع درصدها بیش از ۱۰۰ است. همچنین، از نظر آن‌ها علل عدم گرایش افراد بی‌حجاب به حجاب مطابق جدول شماره ۲ دو است.

جدول ۲. دلایل بی‌علاقگی افراد به حجاب

درصد	دلایل
۶۷	ناباوری به حجاب
۵۷	محیط خانواده آن‌ها ایجاب نمی‌کرده است.
۵۰	دلایل با حجاب بودن را نمی‌دانند.
۴۵	بدون حجاب آراسته‌ترند.
۳۸	حجاب را دوست ندارند.
۲۹	چون همیشه آن را به زور تحمیل کرده‌اند.
۱۱	موجب فلج شدن کار و فعالیت آن‌ها می‌شود.
۱۵	از فرهنگ بومی و اسلامی گریزان‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه ما در جامعه‌ای اسلامی با بیش از ۹۹ درصد مسلمان زندگی می‌کنیم و افرادی که به پرسش‌نامه‌ها پاسخ داده‌اند احتمالاً ۱۰۰ درصد مسلمان بوده‌اند، رقم ۵ درصد دانش‌آموزی که بدحجاب‌اند، قابل توجه است (اگرچه احتمالاً رقم دقیق بالاتر از این است).

با توجه به دیدگاه‌های این دانش‌آموزان بهتر است برای ترویج فرهنگ حجاب در مدرسه، با تأکید بر جنبه‌های مثبت حجاب، به بیان فلسفه و فواید حجاب برای افراد پرداخت و در این راه الگوهای مناسب حجاب را با در نظر داشتن دیدگاه بیشتر دانش‌آموزان، که مقنعه را ترجیح می‌دهند، معرفی کرد. همچنین در برخورد با بدحجابی، لازم است روش دوستانه و مؤدبانه‌ای اتخاذ شود و از هرگونه اعمال زور و اجبار پرهیز گردد.

برای مبارزه با بی‌حجابی نیز باید عوامل اصلی گرایش نداشتن جوانان به حجاب

را که ناباوری، محیط نامناسب خانواده و بی‌اطلاعی از فلسفهٔ حجاب است، با کار فرهنگی صحیح و برنامه‌ریزی شده برطرف کرد.

به هر حال، مشخص است که تاکنون کار فرهنگی لازم و درست دربارهٔ گسترش فرهنگ حجاب در مدرسه صورت نگرفته و این مسئله‌ای است که بیشتر افراد این پژوهش به آن اذعان کرده‌اند.

با توجه به مطالب گفته شده، امروز بار مسئولیت سنگین گسترش فرهنگ حجاب در سطح مدارس و جامعه، بر دوش مسئولان مربوط است. بی‌شک اگر از طریق فعالیت‌های فرهنگی تمایل و علاقه نهفتهٔ جوانان ایران اسلامی به دین و جلوه‌های آن تقویت شود، این تلاش‌ها به بار خواهد نشست و الگوی دختران ما در این مرز و بوم فاطمهٔ زهرا علیها السلام خواهد شد؛ ان شاء الله تعالی.

هویت زیر ذره‌بین!

احساس هویت اسلامی ایرانی در دختران دبیرستانی و راه‌های تقویت آن

زهره اسلامی‌نیا

کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده

این پژوهش با هدف پاسخ به نیاز مراکز برنامه‌ریزی فرهنگی (در استان البرز) انجام شده است. پژوهشگر از نیروهای فرهنگی است، و با توجه به سوابق مرتبط با موضوع، که طی سال‌های هشتاد تا کنون در موضوع هویت و مؤلفه‌های اسلامی و ایرانی آن داشته است، به تدوین فرضیه‌ها و تبیین متغیرها و استخراج شاخص‌ها، به اجرای پژوهش میدانی در این موضوع پرداخته است.

داده‌های آماری به‌دست آمده، فرضیه‌های پژوهشگر را تأیید نموده است. بین احساس هویت ایرانی و هویت اسلامی آزمودنی‌ها و نیز بین احساس هویت اسلامی و هویت فردی آزمودنی‌ها همبستگی مشاهده شد. پژوهشگر با اثبات واقعی بودن هجمه دشمن و وجود مشکلات فرهنگی داخلی، تشکیل گارد هویت را، پاسخ این هجوم و لازمه تقویت هویت دانسته است.

کلیدواژه‌ها: هویت، اسلامی، ایرانی، هجوم فرهنگی، گارد هویت، یقینیات، ارزش‌ها

این پژوهش خلاصه چهار صفحه‌ای از پایان‌نامه ۱۳۸ صفحه‌ای است که در آن وضعیت هویتی دینی و ملی و فردی امروز دختران دبیرستانی گزارش گردیده و تنها به ذکر نتایج و پیشنهادهای پژوهشگر پرداخته شده است. به امید اینکه راه‌گشا باشد.

مسئله این پژوهش

بررسی احساس هویت‌مندی دختران دبیرستانی در ناحیه ۳ آموزش و پرورش کرج و استخراج عوامل مؤثر بر آن به صورت میدانی است.

سؤال اصلی این پژوهش

چه عوامل، زمینه‌ها و سازوکارهایی می‌تواند بر احساس هویت اسلامی ایرانی دختران دانش‌آموز ناحیه ۳ کرج مؤثر باشد؟

متغیرهای این پژوهش

- الف. **متغیرهای زمینه‌ساز:** تربیت خانوادگی، تعلیم و تربیت، تربیت دینی، جهت‌گیری نظام آموزشی، محتوای ساعت فوق برنامه، غنای برنامه درسی
- ب. **متغیرهای مستقل این پژوهش:** دانشمندان و ادبا، زبان فارسی، ملیت ایرانی، میراث فرهنگی، فرهنگ، جهان‌بینی اسلامی، دین و مذهب
- ج. **متغیرهای میانجی،** با دو طیف مقوم هویت و مخرب هویت. فرهنگ مهاجم کاملاً آگاهانه و با هدف اثرگذاری بر فرهنگ و هویت کشور مورد هجوم، در تئوری یا عمل ارائه و اجرا می‌نماید.

د. متغیر وابسته، هویت است، که در سه سطح فردی، ملی و دینی بررسی می‌شود. پژوهشگر در متن مقاله، به تعریف هویت، برگرفته از سند تحول آموزش و پرورش، که اکنون مرجع رسمی تصمیم‌سازی، برنامه‌نویسی و اجرا در آموزش و پرورش است، می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش و روش پژوهش، پیمایشی بوده است. نقطه تمرکز پژوهش، این پژوهش، دختران دبیرستانی ناحیه ۳ کرج را طی سال‌های ۸۸ تا ۹۱ ارزیابی نموده است.

هویت، موضوعی چند لایه، دارای مراتب، انواع و مؤلفه‌هایی است. هویت، مرز میان ما و دیگران است. آنچه من دارم و دیگران ندارند و آنچه ما در یک گروه داریم و دیگر گروه‌ها ندارند. هویت هم بیانگر تشابه است و هم تمایز. هویت‌ها، معانی هستند که شخص به صورت یک آبرو در یک موقعیت اجتماعی یا نقش اجتماعی به خود نسبت می‌دهد. اگرچه هویت، یا من کیستم فرد انسانی، در دنیای امروز به گونه‌ای تعریف می‌شود که در نهایت با انسان جهانی - ملی تطابق داشته باشد!

هویت دینی، برآمده از شخصیت دینی است و دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. مذهب در نقش عامل ناظر بر مجموعه‌ای از انسان‌ها نظارت می‌کند.

هویت ملی، فراگیرترین سطح هویت جمعی است. هویت ملی، نوعی احساس تعلق به ملت خاص، نمادها، نهادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین است. عناصر ملیت، گاهی زبان، دین و سرزمین مشترک را نیز شامل می‌شود.

ایران در گذشته، بحران حمله اسکندر، اسلام اموی، و حمله مغول را پشت سر گذاشته ولی دو سده است که با هجوم بحرانی پیچیده روبه‌رو است، که توسط رهبر انقلاب اسلامی، شبیخون فرهنگی نامیده شده است.

در این تهاجم وسیع، فرهنگ مهاجم، با استفاده از سلاح علم، ثروت، تبلیغات،

الفاظ مبهم و چندپهلوی، ابزارها و افراد گوناگون، برنامه‌های متنوع و جذاب، در وسعتی به نام «رسانه» سعی در تغییر انگیزه‌ها، علایق، انتخاب‌ها و نگرش‌های افراد ساکن در واحدهای سرزمینی مختلف و یا به‌طور خلاصه تأثیرگذاری بر هویت آنان داشته و دارد.

دامنهٔ این تأثیرگذاری، حتی در فلسفه‌هایی که به‌عنوان مبانی هستی‌شناسی^۱، معرفت‌شناسی^۲ و روش‌شناسی^۳ ارائه می‌گردد و علومی که آموزش داده می‌شوند و همگی از بر ساخته‌های تمدن مدرن به‌شمار می‌روند، قابل احصا بوده است و حکایت از وسعت هجمه‌ای دارد که ناخودآگاه هم هویت‌ساز است و هم تخریب‌کنندهٔ مؤلفه‌های هویت، و البته هر دو نیز، در هماهنگی با منطق مسلط جهانی هستند!

با رخداد انقلاب اسلامی و ظهور اندیشهٔ حکومت دینی، نظرات، تحلیل‌ها و حتی قانون‌های مصوب بسیاری برای مقابله با شتاب انقلاب اسلامی به اجرا درآمد که زمینه‌ساز تئوریک شدن تلاش دنیای غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران گردید. قانون‌هایی که منجر به استفاده از هر امکانی در این راستا شد. جنگ نرم ژوزف نای، مهندسی معکوس فرانسیس فوکویاما و برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون و قانون‌های ظالمانهٔ تجاری هلمز برتون و داماتو از این دسته‌اند.

از آنجا که بخش وسیعی از این جامعهٔ تأثیرپذیر را دختران و پسران نوجوان ۱۲ تا ۲۲ ساله تشکیل می‌دهند و رسانه‌های دیداری و شنیداری، صوتی و تصویری، هر یک به گونه‌ای بر آنان اثرگذارند، تلاش فرهنگی لازم است تا این همه را از اثرپذیری مصون نماید. تلاشی که در اجرا از دانش‌های روز و روش‌های نو بهره‌مند باشد. در این راستا محیط خانواده، مدرسه و اجتماع، قادرند از سویی پیشروی تأثیرات منفی را سد کنند و بالعکس، تأثیری همسو با فرهنگ رسانه‌ها داشته باشند.

این پژوهش با تحلیل عملی داده‌های به‌دست آمده از اجرای میدانی (که در اینجا به علت، محدودیت چاپ، امکان ذکر آن‌ها نبود)، مدعی است که بین مؤلفه‌های

هویتی فرد ایرانی مسلمان (در اینجا دختران دبیرستانی ناحیه ۳ کرج) با هویت مسلمان ایرانی و هویت اسلامی ایرانی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و تقویت هر یک به تقویت دیگری و در نتیجه به مقاومت در برابر هجمه جهانی می‌انجامد.

ارتقای سطح دانش و عمق بینش در بین نوجوانان، می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش و تعمیق باورهای دینی و ارزش‌های ملی، کسب خودآگاهی و باور خویشتن، به‌عنوان موجودی منحصر به فرد، با ارزش، توانمند و مستعد باشد و نه تنها قدرت آنان را در مقابله با هجوم فرهنگی دشمن دوچندان می‌نماید و ایستادگی در برابر جریان مهاجم را افزایش می‌دهد. بلکه با ایجاد درک نسبت به مبانی فکری فرهنگ مهاجم و شناخت داشته‌های فرهنگ و هویت ایرانی مسلمان، و تهیه خوراک فرهنگی مناسب، می‌توان جریان هجوم را مانند قرون چهار تا شش هجری به‌صورت معکوس جهت داد؛ ان شاء الله.

یافته‌ها، نتایج و پیشنهادها

الف. دریافته‌های پژوهشگر

هویت نوجوانان، از سوی گروه‌های سنی و جنسی، اولیا، مربیان، رسانه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی، که شاید هرگز در آن‌ها عضو نبوده‌اند و نیز فرهنگ‌های مهاجم تحت فشار قرار می‌گیرد. این فشارها، نوجوان را وارد مرحله‌ای می‌کند که یا تسلیم می‌شود و رنگ درخواست‌کننده را به خود می‌گیرد و یا در مقابل آنان ناسازگاری پیشه می‌کند و تا مقاومت و درگیری پیش می‌رود.

گاه این شرایط مانند سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پیچیده نیز می‌گردد. برنامه‌های فرهنگ مهاجم کاملاً آگاهانه و با هدف اثرگذاری بر فرهنگ هویت کشور مورد هجوم، در تئوری و عمل ارائه و اجرا می‌شود و به تغییر یا تخریب هویت نسلی که در سنین شکل‌گیری هویت قرار دارد، منتهی می‌شود و این وسعت،


تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم را شامل می‌شود.

با وجود این جنگ فرهنگی همه‌جانبه و تذکرات مقام معظم رهبری، نسبت به برنامه‌ریزی و اجرای مهندسی فرهنگی متأسفانه کوتاهی‌های بسیاری صورت گرفته است. این امر در بررسی‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز در کتب پروفیسور رفیع‌پور آمده است.

بسیاری از برنامه‌های برنامه‌ریزان و مجریان فرهنگی، آگاهانه و ناآگاهانه به تضعیف هویت نسل مورد تربیت (و در اینجا دختران دبیرستانی) انجامیده است، از جمله: کم‌توجهی به اهداف تربیتی اسلام در برنامه‌های فرهنگی، سخت‌گیری به نوجوانان برای اجرای اوامر دین، کاربردی نکردن دستورات دینی، نشان دادن چهره‌ی خشن و سخت از دین به نوجوانان، تفاوت قول و عمل در متولیان امور دینی، تهیه نکردن امکانات مورد نیاز زندگی دینی، در مقابل اسلام قرار دادن ایران باستان و گزینش تعاریف تنگ‌نظرانه از دین.

به نظر پژوهشگر، نوجوانان (و در اینجا دختران دبیرستانی) نسبت به ایران بدبینی ندارند، نسبت به اصل اسلام نیز هیچ‌گونه بدبینی ندارند اما در عمل به دستورات دینی، آن‌گونه که انتظار می‌رود، ظاهر نمی‌شوند. چرا؟ پاسخ را باید در کجا جست‌وجو کرد؟... و این سؤالی است که این پژوهش برای پژوهشگران پس از خود نیز طرح می‌نماید.

ب. پیشنهادهای پژوهشگر

با توجه به آنچه گفته شد، بر همه‌ی برنامه‌ریزان و مجریان فرهنگی فرض است که در شرایط سخت حفظ هویت اسلامی ایرانی، نسبت به موارد ذیل اهتمام ویژه بنمایند.  تقویت اعتقادات مذهبی، اگر هویت دینی اعتقاد به خداوند صاحب شریعت است، حفظ آن لوازم و تعاریفی دارد که باید به آن‌ها پرداخت: انجام واجبات، ترک

محرمات، توجه به مستحبات و مکروهات، شرکت در مجالس مذهبی، حفظ پوشش ظاهری و... (حاجیانی، ۱۳: ۱۸۲)

تقویت ملیت، توجه به بهره‌مندی از حقوق فرهنگی برای شهروند ملی در عصر جهانی شدن لازم است. (همان: ۲۱۴)

تقویت هویت، تهاجم فرهنگی یک واقعیت و خانواده هدف اصلی تهاجم است، و تقویت هویت فردی و ملی، راه مقابله است. پروفیسور عبدالسلام، پدر هسته‌ای پاکستان، معتقد است باید مسلمانان به شکوفایی علمی دست یابند تا اسلام بتواند دوباره بر صدر بنشیند و حمله نه، بلکه صدور علم و فرهنگ را برای جهانیان از سر بگیرد. (عبدالسلام، ۸۷)

هوشیاری در مقابل هجوم بیگانگان، از یک مسیونر مسیحی پرسیده شد چرا این همه تبلیغ می‌کنید، مردم مسلمان که مسیحی نمی‌شوند، پاسخ داد: بله بسیار کم مسیحی می‌شوند ولی از دین خودشان سست می‌شوند و ما این را می‌خواهیم. شبهه ایجاد می‌شود و در پایبندی به دین، سست می‌شوند. (مصباح، ۸۷: ۱۳۷)

هجوم فرهنگی ما را از هویت خودمان تهی می‌کند، به‌گونه‌ای که گویی ما نه فرهنگ داریم، نه علم، نه زبان و نه خط! (همان: ۹۱) ابزارهای حمله، ایجاد شک در ایمان است، سست کردن یقین به آخرت و حساب و کتاب و ماوراءالطبیعه، اینکه آیا العیاذبالله خدایی هست یا نه، جهنم و بهشتی هست یا نه؛ مواردی که قادر است همه چیز را ویران کند. (همان: ۹۵)

دشمن برای حمله به ما از سلاح علم، ثروت و تبلیغات بیشترین بهره را می‌برد. محتوای تبلیغات او براساس دستاوردهای روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. باید هجوم را بشناسیم تا فرهنگ از هجوم رها شود (همان: ۱۰۹).

این هجوم به سه عنصر فرهنگ است، یعنی یقینیات، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری

خاص بر خاسته از آن دو عنصر. هدف اصلی دشمن در تهاجم، «زدن آن سه عنصر است و ترویج اینکه انسان‌های بی‌سواد حرف از یقین می‌زنند. در این عصر کسی از یقین سخن نمی‌گوید! امروز تمام روشنفکران دنیا اهل شک‌اند و به آن افتخار می‌کنند!

نتیجه این اعتقاد این است که دیگر خدا، آخرت، نبوت و... باید کنار برود و چیزهای دیگری جای آن‌ها را بگیرد! پس، ارزش‌ها اموری اعتباری و متغیر و نسبی می‌شوند! آن‌گاه قوانین ما که باید بر اساس ارزش‌ها باشد نیز ثباتی نخواهند داشت و در نتیجه رفتار ما و نظام رفتاری ما شکننده و قابل تغییر می‌شوند. در این صورت، چه کسی گفته که انجام این کار گناه و بد است؟» (همان: ۱۰۴)

آنچه پژوهشگر از این تحقیق و بررسی، به‌عنوان یافته خود به خواننده عزیز، تقدیم می‌کند، عبارت‌اند از:

- هویت ایرانی (و در اینجا دختران دبیرستان ناحیه ۳ کرج) در سنین نوجوانی که سن شکل‌گیری هویت است، به اسلام، گرایش دارد.
- رابطه هویت ایرانی با اسلامی، مستقیم است و بالا رفتن هر یک مقوم دیگری است و در تقدم نسبت ایرانی به اسلام یا اسلامی به ایران تفاوت محسوسی مشاهده نمی‌شود:
- تقویت دانش کنشگران در تقویت احساس هویت آنان در عرصه دانشی، اثرگذار است.
- تقویت بینش و عمق آگاهی کنشگران به تقویت احساس هویت آنان در عرصه بینش و کنش (رفتار) می‌انجامد.
- عرصه بینش، درونی‌ترین لایه احساس هویت کنشگران است و در این عرصه چیستی و چرایی کنش، معنا، جهت و دلیل خود را می‌یابد.
- این درونی‌ترین لایه از هویت، زمینه‌ساز انگیزه، انتخاب، گرایش، ذائقه، عمل،

رفتار و کنش در شرایط واقعی برای کنشگر است، و تقویت آن، کنشگر را در مقابل هویت‌های ناپایدار رسانه‌ای، که فرهنگ مهاجم سعی در القای آن دارد، مقاوم می‌سازد.

● پاسخ جنگ نرم، جنگ نرم است و هدف جنگ نرم تسخیر و تغییر اراده‌ها و انگیزه‌ها و انتخاب‌ها و ذائقه‌هاست، آنچه کنشگر را قادر به برگردان هجمه فرهنگی موجود می‌سازد، قدرت و قوت درونی‌ترین لایه هویت اوست، که پژوهشگر آن را «گارد هویت» نامیده است.

● آنچه در فضای جهانی شدن، به‌عنوان تکثر هویتی، یا هویت چهل‌تکه مطرح است، استحقاق کسانی است که ارزش‌ها و هنجارهایشان پایه لرزان و شکننده‌ای دارد و از حقایق ثابت بی‌بهره‌اند.

● خاستگاه هویت ایرانی، سرزمینی بهشت‌گونه با نعمات بی‌پایان الهی و مردمی با سطح ادراک و هوش عمومی مورد تأیید تجربی بسیاری از مجامع علمی و تاریخ، سابقه، صبغه و داشته‌هایی که از علم و دانش است، که اگر مغرضانه از آن چشم‌پوشی نشود، به اعتراف بسیاری از دانشمندان، در ادوار بسیاری بر تارک بشریت درخشیده است. کتاب علم و دین در حیات معقول، نوشته علامه محمدتقی جعفری که با نقل جملاتی از ایزاک آسیموف، برتراند راسل، آلفرد نورث وایتهد، جرج سارتن، گوستاو لوبون، راجر بیکن و... به سوابق مسلمانان و ایرانیان در پایه‌ریزی علوم! و نه خوشه‌چینی از علم دانشمندان اشاره می‌کند و در ادامه، صدها عالم و بنیان‌گذار علم در ایران و اسلام را نام می‌برد و با این چنین اطلاعی، دیگران را به خود می‌خواند که: «الم یأْن للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله (آیه ۱۶ س حدید): آیا وقت آن نرسیده است که در مقابل خداوند (حقیقت) سر تسلیم فرود آورید؟»

● هویت اسلامی، برگرفته از حقایق ناب و ثابت عالم هستی است، که تدبیر و تدوین

آن، با برنامه حکیمانه خداوند متعال برای عالم وجود و برای انسان، به طور خاص و به عنوان جانشین خداوند و حاکم بر وقایع دنیای مادی و دارای ظرفیت برای نفوذ به عالم معنا، آماده شده است.

● با این مقدمات، سؤال اساسی‌ای در اینجا قابل طرح است، و آن سؤال این است که عنصر ایرانی مسلمان را چه شده است که باید ارزش‌های ثابت خود را نادیده بگیرد و یا بالاجبار! به فراموشی بسپارد و آنچه را که فلاسفه پوزیتیویست، با ویژگی بی‌ثباتی و ابطال‌پذیری! برای علم خود، بیان می‌کنند، بپذیرد و یا پایین‌مرتبه‌تر از آن، تسلیم فرهنگ ناثابت و شکننده و البته به ظاهر بسیار وسوسه‌انگیز رسانه‌ها و بلندگوهای منطق مسلط جهانی، که با جهانی‌سازی مدعی جهانی شدن هستند، گردد؟

● بر ما و بر همه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های فرهنگی و تربیتی (از اولیا، مربیان، مدرسان و مشاوران و...) فرض است که در حرکتی جهادگونه، نسبت به موارد زیر اقدام و برای تقویت و تعمیق هویت متربیان خود از تمام توان و امکان‌های موجود استفاده کنیم:

۱. از آنجا که ایرانیت در طول تاریخ هرگز نکبتی برای این قوم اصیل به همراه نداشته است و اسلام نیز با ورود به ایران، آن‌گونه با زندگی ایرانیان ممزوج شده است که گویی ظرف و مظلوف یکدیگر را یافته‌اند، کسانی که به نام اسلام قدرتی در دست دارند، هر عمل درستی انجام دهند، ناخودآگاه، مرتبط با اسلام تلقی می‌گردد و ایضاً هر اشتباهی مرتکب می‌شوند، به زعم دیگران، به پای اسلام نیز نوشته می‌شود. پس مراقبتی از عمل مورد نظر است که هیچ‌گونه دل‌زدگی و بدبینی نسبت به دین کامل الهی در افراد، به خصوص متربیان نوجوان که در سنین شکل‌گیری هویت قرار دارند، ایجاد نکند.
۲. لازم است، اولاً مبانی تمدن مدرن و ثانیاً اهداف آشکار و پنهان هجمه

فرهنگی و جنگ نرم، به متریبان شناسانده شود، تا حداقل نسبت به خیل آنچه از این هجمه بصری مشاهده می‌کنند، یا آنچه به صورت سمعی می‌شنوند، با دید انتقادی، قضاوت کنند.

۳. لازم است داشته‌های هویتی ایرانی و اسلامی (چکیده‌ای از آن در بسته فرهنگی هویت اسلامی ایرانی توسط فرزندان پژوهشگر در سال ۸۷ گردآوری شده است) به متریبان شناسانده شود، تا در شکل‌دهی به هویت آنان و تعمیق بینش آنان، نسبت به خویشتن خویش و چیستی معنایی‌شان، آن‌گونه مجهز شوند که گارد تشکیل شده‌شان، در برخوردهای رنگارنگ با تمدن مدرن، به برگردان همه آنچه بینجامد که با هویت الهی انسانی، ایرانی و اسلامی این عنصر تربیت‌یافته، سنخیتی ندارد.

۴. آنچه از برآیند جهانی شدن و وحدت عملی بشریت (در متن مقاله) ذکر شد، ناظر بر جریان واحدی برای حاکمیت بر عالم است و لاجرم آن جریان منشأ الهی و تنها بر آرمان‌های اسلام تکیه دارد و از آمدن مهدی (عج) حکایت می‌کند. بر ماست که نسلی از متریبان خود را برای امروز و فردای جهان و شناساندن اسلام به جهانیان، تربیت کنیم. انتظار می‌رود این نسل، مغزهای نرم‌افزاری آینده، برای معکوس کردن جریان هجمه فرهنگی باشند؛ ان شاء الله.

1. ONTOLOGY
2. epistemeology
3. methodology

۱. ال. اسپوزیتو، جان؛ انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۸.
۲. جعفری تبریزی، محمدتقی؛ علم و دین در حیات معقول، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۶.

۳. حاجیانی، ابراهیم؛ کنکاشی در هویت ایرانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۸۹.
۴. عبدالسلام، محمد؛ ۸۷، شکوفایی علم در جهان اسلام، ترجمه اصغر افتخاری و غلامرضا خواجه سروی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۷.
۵. مصباح یزدی، محمدتقی؛ تهاجم فرهنگی، مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی...، قم، ۱۳۷۸.
۶. سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، مشهد، ۱۳۸۹.

جهاد تربیتی و فرهنگی برای اعتلای عفاف و حجاب

دکتر محمدمهدی اعتصامی

بارها متذکر شده‌ایم که حیات خانوادگی یکی از سخت‌ترین میدان‌های چالش و درگیری مدرنیته و اسلام است و آموزش و پرورش بهترین نهاد اجتماعی برای مقابلهٔ مدرنیته و رشد **تربیت اسلامی و زندگی خانوادگی** است. اگر خانواده را به مثابهٔ یک منزل یا شهر در نظر بگیریم، حجاب در نسبت با خانواده به منزلهٔ دیوار دور منزل یا حصار دور شهر است که از کیان و موجودیت آن منزل یا شهر محافظت می‌کند و از آسیب‌های گوناگون دور نگه می‌دارد.

۵۷

با اینکه حکم عفاف و حجاب اختصاص به افراد متأهل ندارد و همهٔ آحاد جامعه، اعم از متأهل و مجرد را شامل می‌شود، اما باید توجه کنیم که استحکام دیوار رفیع عفاف و حجاب عامل اصلی استحکام خانواده و فرو ریختن آن عامل اصلی متلاشی شدن خانواده است.

اگر بخواهیم جایگاه عفاف و حجاب را در دین اسلام بیابیم باید بدانیم که خداوند میل به پوشش را در فطرت بشر قرار داده است. در داستان حضرت آدم است که

خداوند، خطاب به بنی آدم و نوع انسان، فلسفه عفاف و حجاب و پوشش را بیان می کند و می فرماید: «یا بنی آدمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ». ای فرزندان آدم، ما برای شما لباسی فرستادیم تا جنبه جنسیت را که آشکار بودنش بدی به دنبال دارد، بپوشاند و نیز سبب آراستگی شما باشد، البته لباس تقوا که سبب دوری از گناه است بهتر و ضروری تر است. این از آیات خداوند است، باشد که توجه کنند و دریابند.» (الأعراف/۲۶)

آن گاه، خداوند به نوع انسان و فرزندان آدم هشدار می دهد که شیطان همان دامی را که برای آدم و حوا پهن کرده بود، برای همه شما آماده کرده است، مبدا در دام او گرفتار شوید که نتیجه اش «فساد» است: «یا بنی آدمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ای فرزندان آدم مبدا شیطان شما را بفرید، همانگونه که پدر و مادر شما را با نیرنگ از بهشت بیرون کرد درحالی که لباس آن دو را از تنشان بیرون آورد و بدی های آن ها را نمایان کرد. همانا او و گروهش شما را از جایی که آنان را نمی بینید، می بینند. به یقین ما شیطان ها را سرپرست کسانی قرار داده ایم که ایمان نمی آورند.» (الأعراف/۲۷)

البته حضرت آدم و حوا همین که نتیجه خوردن میوه ممنوعه را دیدند، براساس فطرت، خود را پوشاندند و عفاف پیشه کردند، تا برای ما الگو و سرمشق عفاف و پاکی باشند.

فحشاء، از نظر قرآن کریم، نتیجه دوری از لباس مناسب و پوشش اسلامی است و آمدن فحشاء در یک جامعه عامل اصلی گسیختن نظام خانواده است. حفظ نظام خانواده ارتباط زیادی با حفظ حجاب و عفاف در جامعه دارد.

از آنجا که تمدن جدید و شکل زندگی غربی بر بی حجابی و برهنگی بنا شده

درمی‌یابیم که چه شکاف بزرگ و درگیری عظیمی میان اسلام و این تمدن وجود دارد و درمی‌یابیم که اگر خدای نکرده در این مصاف از غرب شکست بخوریم به سرنوشتی خطرناک و فرجام هولناکی گرفتار می‌شویم.

اهمیت موضوع اقتضای کند که آموزش و پرورش وارد یک برنامه تربیتی - فرهنگی همه‌جانبه شود و از همه فرصت‌ها برای ارتقای بصیرت دانش‌آموزان در این باره بهره ببرد. البته وظیفه ما معلمین دینی و قرآن یک وظیفه ویژه است، وظیفه‌ای فراتر از یک مسئولیت اداری، وظیفه‌ای در حدّ یک جهاد تربیتی برای جلوگیری از ایجاد شکاف در حصار عفاف و حجاب و مستحکم‌تر کردن این بنای رفیع که گوهر انسانیت ما را در خود حفظ کرده است.

حجاب از منظر قرآن و عهدین

سیده رقیه سیدی جربندی

دبیر شهرستان نکا

چکیده

پژوهش حاضر، به مسئلهٔ حجاب و احکام مربوط به آن در سه دین اسلام، یهود و مسیحیت، بر مبنای متون مقدّس آن‌ها، یعنی قرآن کریم، عهد قدیم و عهد جدید می‌پردازد، و نوع نگرش این ادیان نسبت به حجاب زنان و در نهایت مقایسه و مقارنهٔ آن‌ها با یک دیگر را به دور از هرگونه پیش‌داوری و تعصّب و به شیوهٔ کاملاً روشمند و علمی، وجهٔ همّت خود می‌سازد. شایان ذکر است در این مقال، به‌منظور شناخت هرچه عمیق‌تر و فهم کامل‌تر نسبت به مسئلهٔ حجاب، ابتدا مفهوم حجاب از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی گردیده و بعد به وضعیّت حجاب در آیین یهود، مسیح و اسلام پرداخته شده است.

در پایان، نیز این مسئله در پرتو مقایسه و مقارنه از دیدگاه قرآن و عهدین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ به این ترتیب پژوهش حاضر پس از یک بررسی تطبیقی با ارائهٔ نتیجه‌گیری نهایی به پایان می‌رسد.

مقدمه

قصه حجاب و پوشش با داستان خلقت انسان که ابتدا لباس بهشتی داشت و پس از هبوط از بهشت به برگ درختان پناه آورد و با پوشاندن، این نیاز فطری خویش را رفع کرد، پیوندی ناگسستنی دارد. ادیان الهی و تشریح «حکم حجاب» نیز برای این نیاز فطری چهارچوب مشخص کردند و محدوده ارتباط با محرم و نامحرم و مرزها را تبیین نمودند. همه ادیان آسمانی، از جمله دین مبین اسلام، حجاب و پوشش را واجب و لازم شمرده و افراد بشر به‌ویژه زنان را به‌سوی آن دعوت کرده است. البته حجاب در ادیان قبل از اسلام به‌صورت شدیدتری وجود داشته و اسلام تنها به تنظیم و قانونمند کردن و در پاره‌ای موارد به تسهیل قانون حجاب پرداخته است.

بهترین شاهد و گواه این مدعا، کتاب‌های مقدّس، دستورها و احکام دینی، آداب، مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان است. حجاب در فرهنگ ملی و اسلامی ما از جایگاه رفیعی برخوردار است و دانشمندانی چون استاد مطهری (ره)، دانشمند بزرگ جهان اسلام، درباره آن تحقیقاتی به عمل آورده‌اند ولی با توجه به اهمیت موضوع و ظرافت‌های ابعاد آن، شایسته است این سنت اسلامی-اجتماعی، هر چه بیشتر مورد بحث قرار گیرد و از آثار و ارزش‌های آن سخن به میان آید. لذا در این پژوهش تلاش بر این است که به بخشی از احکام حجاب در قرآن و عهدین، که دانش آن برای زنان و اعم از مسلمان و غیرمسلمان، لازم و ضروری است پرداخته شود.

حجاب در آیین یهود

رواج حجاب در میان یهودیان به‌گونه‌ای مشهود، مشخص و مستند است. بسیاری از مورخان و اندیشمندان، رعایت حجاب را در اقوامی که با یهودیان مرتبط بوده‌اند،

متأثر از سرایت فرهنگ قوم یهود دانسته‌اند. مورخان نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند بلکه به افراطها و سخت‌گیری‌های فراوان آنان در این زمینه تصریح کرده‌اند.

ویل دورانت درباره پوشش زنان در قوم یهود می‌نویسد: «در قرون وسطا، یهودیان، هم‌چنان زنان خود را با البسه فاخر می‌آراستند لکن به آن‌ها اجازه نمی‌دادند که سر برهنه به میان مردم بروند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب را مستوجب طلاق می‌ساخت و از تعالیم شرعی این بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خدا بردارد.» (دورانت، ۱۳۶۶: ج ۴: ۴۶۱).

حجاب در آیین مسیحیت

در این آیین به مسئله حجاب بیشتر از قوم یهود اهمیت داده شده است. این آیین، نه تنها احکام شریعت یهود را در مورد حجاب زنان تغییر نداده، بلکه در برخی از موارد پا را فراتر گذاشته و تأکید بیشتری بر این مسئله داشته است. زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شود و طبق نوشته «تاریخ تمدن»، ازدواج در بیست سالگی اجباری بوده است (همان، ج ۱: ۴۳۹). اما از دیدگاه مسیحیت، که مجرد بودن مقدس شمرده می‌شود، جای هیچ شک و تردیدی نیست که برای از بین بردن زمینه تحریک، زنان به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین به صورت شدیدتری فراخوانده شده‌اند.

جرجی زیدان، دانشمند مسیحی، می‌گوید: «اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن است، این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیحیت معمول بوده است و دیانت مسیحیت هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطا در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.» (زیدان، ۱۳۸۶ ش: ۹۴۲).

حجاب در آیین اسلام

حجاب و لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه از ضروریات دین مبین اسلام است. حجاب جزئی از تمدن، فرهنگ، آداب و رسوم اسلامی و شریعت الهی است. قانونی الهی است که دین اسلام برای سلامت فرد و جامعه آن را به مراتب سهل تر و شفاف تر از آنچه در سایر ادیان بوده، وضع نموده است؛ چراکه ضرورت زندگی اجتماعی، ارتباط بین زن و مرد نامحرم را اقتضا می کند و اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی، با وضع مقررات مربوط به حجاب توانسته است روابط سالم میان زن و مرد را در خانواده و جامعه تحکیم بخشد.

قدر مسلم آن است که پوشش از مختصات اسلام نیست و به عبارت دیگر، اسلام، مبتکر آن نیست، بلکه قبل از اسلام، حجاب و پوشش در میان زنان عرب و مردم جهان معمول و متداول بوده است، حال حجاب، چه در میان زنان اعراب قبل از اسلام وجود داشته یا خیر، اسلام در خصوص آن دستوراتی به مراتب سهل تر و در عین حال متعادل و متناسب با شخصیت زن و غیرت مرد صادر کرده است. آنچه در آیات قرآن کریم و روایت های وارده از ائمه معصومین (ع) آمده، شاهد و گواه بر این امر است.

بررسی تطبیقی حجاب در قرآن و عهدین

به گواهی متون مقدّس آسمانی و عقل سلیم انسان، حجاب تنها مختصّ به شریعت اسلام نبوده، بلکه مورد تأیید و تأکید همه ادیان الهی است. از این رو با یک نگاه کلی به بحث حجاب در آیین یهود، مسیحیت و دین مبین اسلام، مشترکات این ادیان را در امر «حجاب» درمی یابیم. در هر سه دین بحث حجاب در دو مورد عفت و پاک دامنی و پوشش مطرح می گردد. باید متذکر شد که حجاب فقط پوشش ظاهر نیست، بلکه دوری کردن از هر عملی را که زمینه ساز برانگیختن آتش شهوت می گردد، ضروری محسوب می کند. لذا در این پژوهش تلاش شده تا عواملی که فرد

با رعایت آن‌ها از آلوده شدن در امان می‌ماند، در فرامین یهود، مسیحیت و اسلام به‌طور جداگانه مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

۱. نگاه

اولین زمینه‌ساز برانگیخته شدن آتش شهوت نگاه است. شخص اگر نگاه خود را کنترل نماید و از آنچه دیدنش حرام است نگاه برگیرد، چنین فردی از آلوده شدن در امان خواهد بود.

الف. آیین یهود

«آن شخص که با چشمان خود زنا می‌کند، زناکار خوانده می‌شود» (راب، ۱۳۵۰: ۱۱۶).

ب. آیین مسیحیت

«اگر چشمت تو را لغزش دهد، آن را قطع کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر است با یک چشم وارد حیات شوی، از اینکه با دو چشم در آتش جهنم افکنده شوی» (انجیل متی، باب ۱۸، فقره ۱۰-۸).

ج. آیین اسلام

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» (التور/۳۰)؛ به مردان بایمان بگو، دیده فرو نهند. «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ.» (همان/۳۱)؛ به زنان بگو، دیدگان خود را از هر نامحرمی فروبندند.

بنابراین از دیدگاه این ادیان الهی، نگاه کردن به نامحرم مطرود است و امر پسندیده‌ای نیست.

۲. پوشش بدن

پوشش کل بدن به استثنای صورت و دست‌ها و پاها تا مچ و بدون زینت و پوشش فرج برای مردان واجب است که البته از باب رعایت اصول اخلاقی برای مردان نیز پوشش معقول، پسندیده‌تر است.

الف. آیین یهود

«برای سنگسار کردن ...، اگر مجرم مرد باشد، باید جلو بدن او را بپوشانند و اگر مجرم زن باشد، پوشانیدن تمام بدن او ضروری است» (راب، ۱۳۵۰: ۳۲۰). با توجه به اینکه پوشش بدن برای مجرم در حال سنگسار کردن ضروری است، به طریق اولی، پوشش بدن برای مردان و زنان در حال معمولی نیز ضرورت دارد.

ب. آیین مسیحیت

«خواتین اصیل، پیراهن کتانی طولی به بر می‌کردند و بر روی آن جامه درازی که حاشیه‌ای از خز داشت و تا روی پا می‌آمد و روی آن نیم‌تنه‌ای می‌پوشیدند که در خلوت از بدن آویزان بود و جلو اغیار با بند محکم به بدن می‌چسبید؛ زیرا کلیه خواتین عالیه اشتیاق عجیبی داشتند که اندامشان باریک باشد.» (دورانت، ۱۳۶۶: ج ۱۰، ۸۷-۸۶).

ج. آیین اسلام

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» (الاحزاب/ ۵۹): ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمن بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. بنابراین، پوشش موی سر در این سه دین امری واجب است و رعایت نکردن آن گناه محسوب می‌شود.

۳. پوشش صورت و چهره

الف. آیین یهود

در آیات تورات از واژه «برقع» استفاده شده و آن عبارت از پوششی است که به وسیله آن صورت را می پوشانند. مرد را در حالی که صورتش رو به مردم باشد بر دار می آویزند اما زن چهره اش باید به سوی چوبه دار باشد: «اینک تو زیبا هستی ای مجبوبة ی من، اینک تو زیبا هستی و چشمانت از پشت برقع مثل چشمان کبوتر است» (کتاب غزل های سلیمان، باب ۴، آیه ۱).

ب. آیین مسیحیت

اما دین مسیحیت، پوشاندن صورت را نمی پذیرد و پوشاندن تن و بدن را سفارش می کند.

ج. دین اسلام

ولی در آیات و روایات اسلامی، دستوری برای پوشش صورت نیست و غالب مفسران، هدف جمله مربوط به حدود حجاب در قرآن را با کمال صراحت چنین گفته اند: پوشانیدن چهره و دو دست لازم نیست. (مطهری، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۹۴).

اهمیت عفاف در زندگی زناشویی

الف. در آیین یهود

عهد قدیم برای رعایت عفاف در زندگی زناشویی، اهمیت فراوانی قائل است؛ به طوری که در موارد متعددی به مسائل پیرامون این اصل می پردازد و احکام مربوط به آن را بیان می کند. از جمله مواردی که نشان دهنده اهمیت این مسئله در عهد قدیم است، اختصاص یافتن دو فرمان از فرمان های ده گانه به این امر است. در فرمان

هفتم، زنا که از جمله موارد منافی عفت است، نهی می‌شود «زنا نکن» (سفر خروج/ ۲۰: ۱۴) و به دنبال آن در فرمان دیگری آمده است: «چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش» (همان/ ۲۰: ۱۷). به این ترتیب در عهد قدیم، عفاف در زندگی زناشویی اهمیت فراوانی داشته و همواره در دستورات دینی آن‌ها به‌طور صریح یا ضمنی مورد توجه قرار گرفته است.

ب. در عهد جدید

رعایت اصل عفاف در عهد جدید، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و با نگاهی هر چند گذرا بر کتب آن می‌توان به این امر پی برد. در عهد جدید زن و مرد همواره به رعایت نکات ظریف و دقیق عفاف سفارش شده‌اند. در کتاب مقدس به زن و مرد سفارش شده است: «به ازدواج خود و عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید و پیوند زناشویی‌تان را از آلودگی دور نگه دارید؛ زیرا خداوند افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد» (نامه‌ای به مسیحیان یهودی نژاد، ۱۳: ۴).

ج. در قرآن کریم

در قرآن نیز رعایت عفاف از اهمیت والایی برخوردار است؛ به‌طوری که تنها نگاهی به آیات سوره مبارکه نور (که بیشتر آیات آن در اطراف مسائل مربوط به عفاف است) - به‌غیر از آیات دیگری که در این زمینه نازل شده است- هر خواننده‌ای را به اهمیت این مسئله در قرآن واقف خواهد ساخت. اگرچه بررسی تمام آیات این سوره موجب اطالۀ کلام خواهد شد، ذکر مسائل بسیار جدی مربوط به عفاف، در این قسمت ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱. زناکار، اعم از مرد و زن، باید مجازات شود و قرآن کریم برای او صد تازیانه تعیین کرده است.

۲. به مؤمنان آگاهی می‌دهد که در مورد مجازات تحت تأثیر عواطف خود قرار نگیرند که اینجا، جای رأفت و رحمت نیست.
۳. این مجازات را در خفا انجام ندهید؛ چون مجازات برای این است که دیگران عبرت بگیرند. پس باید جمعی از مؤمنین در اجرای آن شاهد و ناظر باشند (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

وجه اشتراک اسلام با ادیان الهی (یهود- مسیحیت) در مورد حجاب

۱. همهٔ ادیان الهی از آن جایی که هدف واحدی را دنبال می‌کنند که همان رهنمون ساختن بشر به سوی خداوند و در نتیجه سعادت دنیوی و اخروی اوست. لذا همهٔ آن‌ها در مسئلهٔ مهمی چون حجاب، که می‌تواند نقش بسیار مهمی در سلامت فرد و جامعه داشته باشد، دیدگاه کلی مشترکی دارند. به این معنی که اصل تشریح و وجوب حجاب در همهٔ ادیان الهی، امری مسلم و یقینی است، گرچه در کم و کیف آن با هم اختلاف نظر دارند ولی همگی بر این دیدگاه‌اند که حجاب، واجب است و لذا همهٔ پیروان خود را ملزم به رعایت آن نموده‌اند.
- دستوراتی چون پوشاندن موی سر، به‌خصوص در مکان‌های مقدس مذهبی جهت انجام مراسم عبادی دعا و نیایش، پرهیز از چشم‌چرانی و نگاه به نامحرم، نهی از آرایش و استعمال عطر به‌خصوص در خارج از خانه، پرهیز از اختلاط زن و مرد، لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، لزوم پرهیز از تشبیه زن و مرد به یک دیگر، نهی از لمس و تماس و مصافحهٔ زن و مرد با یک دیگر و... همگی بیانگر این است که همواره حجاب، مورد توجه ادیان الهی بوده است.
۲. مسئلهٔ پوشش و حجاب مورد تأکید همهٔ ادیان الهی بوده است ولی هیچ یک از این ادیان مبتکر حجاب و پوشش نبوده‌اند بلکه حجاب و پوشش در زمان پیدایش همهٔ ادیان در میان جوامع بشری به تناسب رواج داشته است.

وجه افتراق اسلام با ادیان الهی یهود و مسیح در مورد حجاب

اگر دیدگاه ادیان مورد تحقیق را در مورد حجاب، خوب مدنظر قرار دهیم و با هم مقایسه کنیم، خواهیم فهمید که حجابی که در سایر ادیان نسبت به دین اسلام وجود داشته به مراتب شدیدتر و سخت‌تر بوده است. البته این امر، با توجه به جایگاه دین اسلام در میان سایر ادیان، طبیعی به نظر می‌آید، چراکه اساس دین اسلام، بر اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در همه زمینه‌ها و از جمله در مسئله حجاب است.

نتیجه‌گیری نهایی

۱. حجاب در شریعت یهود، رواج کامل داشت. بر اساس کتاب مقدس تورات و کتاب فقهی تلمود، حجاب نه تنها در میان زنان یهود رواج داشته است بلکه به مراتب شدیدتر از آنچه بوده که اسلام می‌خواسته است.

۲. مسیحیت نیز از جمله ادیان الهی است که در مورد حجاب زنان احکام سختی دارد؛ چراکه نه تنها احکام شریعت یهود را در مورد حجاب زنان تغییر نداده و قوانین شدید آن را استمرار بخشیده است، بلکه در برخی موارد دستورات مؤکد نیز در مورد وجوب حجاب صادر نموده و این امر از کتاب مقدس مسیحیان و نیز از دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌ها مبنی بر رعایت کامل حجاب فهمیده می‌شود.

۳. اسلام نیز که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است و در هدف خود (که همان رهنمون ساختن مردم به سوی سعادت است) با سایر ادیان الهی مسیر واحدی را تعقیب می‌نماید، دیدگاه خاص خود را نسبت به مسئله حجاب و پوشش زن بیان می‌دارد. در قرآن کریم و در روایات وارده از معصومین (ع)، مسئله حجاب و کیفیت پوشش کاملاً معین و مشخص شده است به طوری که مسأله پوشش

و حجاب زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین مبین اسلام محسوب می‌شود.

۴. وجه اشتراک همهٔ ادیان الهی در مسئلهٔ حجاب دو امر است. یکی اینکه در زمان همهٔ ادیان الهی، حجاب و پوشش به تناسب میان افراد جامعه وجود داشته است. دیگر آنکه در همهٔ ادیان الهی اصل تشریح و وجوب حجاب امری مسلم و یقینی است و وجه افتراقی که بین دین اسلام با آیین یهود و مسیحیت وجود دارد، این است که نوع نگرش اسلام به حجاب با نوع نگرشی که سایر ادیان به آن دارند، با یک دیگر متفاوت است. حجابی که در اسلام مطرح شده به مراتب سهل‌تر و راحت‌تر از چیزی است که در ادیان یهود و مسیحیت مطرح شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس (عهد قدیم).
۳. کتاب مقدس (عهد جدید).
۴. خلیل بن احمد، الفراهیدی؛ کتاب العین، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۵. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، مترجم: ابوالقاسم طاهری و دیگران، بی‌نا، تهران: ۱۳۶۶.
۶. راب، اماکن؛ گنجینه‌ای از تلمود، زیبا، تهران، ۱۳۵۰.
۷. زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلام، مترجم: علی جواهرکلام، امیر کبیر، تهران: ۱۳۸۶.
۸. مطهری، مرتضی؛ مسئلهٔ حجاب، صدرا، قم، ۱۳۷۲.

زهرا روشن

دبیر الهیات شهرستان شیروان

مقدمه

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. این کلمه، بیشتر به معنی پرده است و از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است ولی هر پوششی حجاب نیست بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. در این نوشتار، مراد ما از حجاب پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. بنابراین، حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بعد اول باشد ولی بعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

گاهی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگ‌های شاد و زیبا و تحریک‌انگیز استفاده می‌کنند که به اندامشان زیبایی خاصی می‌بخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیبایی‌اش آشکار است. گویی که اصلاً لباس نپوشیده و این از روح حجاب به دور است.

کلیدواژه‌ها: حجاب، تبرّج، جلباب، غضّ بصر، لباس شهرت

لباس‌های ممنوع

لباس شهرت

لباس شهرت لباسی است که پوشیدنش در میان مردم مرسوم نیست و انسان وقتی آن را می‌پوشد، انگشت‌نما می‌شود.

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

من لبس مشهوراً من الثياب اعرض الله عنه يوم القيامة. (متقی هندی، کنز العمال: ۲۰۲)

کسی که لباس شهرت بپوشد، خداوند در روز قیامت از او بیزار می‌کند.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

لباس شهرت و انگشت‌نما مورد خشم و غضب الهی است.

امام حسین(ع) فرمود:

کسی که لباسی بپوشد که او را مشهور کند، در روز قیامت خداوند لباسی از آتش

به تن او خواهد کرد. (همان: ص ب ۱۲)

س- مقصود از لباس شهرت چیست؟

ج- لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن و یا نحوه پوشیدنش برای کسی که

می‌خواهد آن را بپوشد، معمول نیست. (امام خمینی، توضیح المسائل: ۸۴۵)

لباس مختص

زن و مرد از جهات مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند و به این دلیل از جهت لباس و پوشش نیز با هم فرق دارند. و هر یک باید طبق آن فطرت و طبیعتی که در وجودشان هست، لباس بپوشند و خود را زینت کنند.

رسول اکرم(ص) می‌فرماید:

خدا لعنت کند زنانی را که خود را شبیه مردان در می‌آورند و خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌کنند.

مسئله- پوشیدن لباس مختص به مردان برای زنان و پوشیدن لباس مختص زنان برای مردان، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. (احکام بانوان: ۳۶)

لباس مهیج

پوشیدن هر نوع لباسی که عرفاً مهیج است و توجه نامحرم را به خود جلب می‌کند، حرام است؛ چه برای زن چه برای مرد.

لباس‌های بیگانگان

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

امت مسلمان عاقبت به خیر است، تا زمانی که مسلمانان لباس‌های بیگانگان و کفار را نپوشند و غذاهای آنان را نخورند. اگر انجام دادند و از کفار پیروی کردند، خداوند آنان را ذلیل می‌کند.

حجاب برتر

ام سلمه، از زنان بزرگوار پیامبر(ص)، می‌گوید: «هنگامی که آیهٔ حجاب نازل شد، زنان انصار، عبای مشکی بر سر کردند.»

همه مراجع تقلید چادر مشکی را برای بانوان بهترین نوع حجاب می دانند. (مسائل

جدید، ج ۱: ۳۶)

راهکارهای قرآنی برای جلوگیری از بدحجابی و بی حجابی

■ آشکار نکردن زینت‌ها

در این باره می توان گفت اسلام به زینت نکردن دستور نداده است بلکه از زینتی که باعث جلوه‌گری و خودنمایی زن در برابر مردان نامحرم می شود، نهی نموده است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«... لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»

■ تبیین حد و مرز زینت در برابر افراد

این حد و مرز به دو قسم تقسیم می شود:

الف) زینت‌های آشکار برای محرم و غیرمحرم مجاز. زینت‌های آشکار در صورتی خالی از اشکال است که به دور از هرگونه قصد لذت و ریه باشد. این حد زینت در آیه مبارکه «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» آمده و در دو قسمت زیر با «لِيُبْعَلِّتِيهِنَّ» از دستور «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» استثنا شده است.

ب) زینت‌های پنهان، زینت برای شوهر، که زینت علی‌الاطلاق است و شامل تمام بدن می شود.

ج) زینت برای سایر محارم.

از ابی جعفر - علیه السلام - وارد شده است:

«وَأَمَّا زِينَةُ الْمُحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَالدُّمْلُجُ وَ مَا دُونَهُ وَ الْخُلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَ أَمَّا زِينَةُ لِلزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ»

قسمت سوم، مربوط به زینت برای سایر محارم است که شامل محل گردن‌بند و بالای آن، بازوبند و زیر آن و خلخال و آنچه پایین آن است. بنابراین باید به این مهم

توجه داشته باشیم که از پوشیدن لباس آستین حلقه‌ای، دامن‌های کوتاه با پاهای برهنه و یقه‌های باز بیش از حد متعارف حتی در برابر محارمی به جز شوهر مانند پدر، برادر، عمو و دایی و... خودداری کنیم. جواز نگاه کردن به زینت‌های باطنی زنان آن هم در محدوده‌ای که در روایات نقل شده، برای محارم غیرشوهر به شرطی است که فسادى در بین نباشد.

■ نهی از تبرج

در قرآن کریم در این باره آمده است: «... وَ لَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» منظور از تبرج زنان در جاهلیت اولی، جلوه‌گری زنان در قبل از اسلام بوده است که در تمامی این دوران به دلیل رعایت نکردن دستورات پیامبران، زنان دچار چنین معضلی شده‌اند و برای جامعه پیامدهای بسیار بد و ناگواری داشته است و اساساً تبرج فعل مذمومی است چه زنان مرتکب آن شوند چه مردان. در روایات از چنین مردانی با چنین خصوصیتی یاد شده است: «يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزُوجِهَا وَ يَتَبَرَّجُونَ تَبْرُجَ النِّسَاءِ» و از چنین زنانی این گونه یاد شده است «نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ.»

■ نداشتن حضور غیر ضروری در جامعه

با توجه به آیه شریفه:

وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى

در خانه‌هایتان بنشینید و آرام بگیرید و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید و مانده دوره جاهلیت آرایش و خودآرایی مکنید.

زنان مؤمنه به پیروی از این آیه مبارکه باید از هر گونه حضور غیر ضروری در جامعه

خودداری کنند تا الگو و نمونه برای سایر زنان مسلمان باشند.

■ ترویج فرهنگ غیرت در مردان

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: چگونه مردی است که همسرش از خانه اش خارج می شود، به حالتی که تزئین کرده و عطر زده و او بر این امر راضی است؛ پس آن زن برای همسرش در هر قدم که از خانه اش برمی دارد موجب آتش می شود.

■ حفظ نگاه

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... * وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ ... *
حفظ نگاه توسط زنان و مردان مؤمن یک مبارزه منفی با زنان جلوه گر است و اثر تربیتی دارد. هرگاه زنان جلوه گر مورد بی توجهی قرار گیرند، در خواهند یافت که تنها با جلوه گری مورد توجه بیمار دلانی قرار خواهند گرفت که خود فاقد ارزش انسانی هستند.

■ تبیین فلسفه حجاب برای جامعه

حجاب مایه ارزش احترام به زن و مایه حفظ عفت و عصمت است. حجاب مایه تحکیم پیوند زوجین می شود. حجاب سلامت جامعه را حفظ می کند. حجاب حق الهی است و مسلمان تسلیم امر الهی می شود. حجاب پرچم پاک دامنی و عفاف برای زن است. حجاب سبب امنیت زن در جامعه می شود و عاملی برای موفقیت های معنوی اوست.

■ آگاهی افراد از مضرات سوء بدحجابی

بدحجابی امنیت زن را در جامعه به خطر می اندازد و عاملی برای بلوغ زودرس جوانان است. بدحجابی باعث بی ارزش شدن زن در جامعه می شود و آمار طلاق، تلف

کردن وقت، استحاله شدن در فرهنگ بیگانه، فلج شدن نیروی کار در جامعه، تبدیل شدن زن به موجودی مصرفی، به استعمار کشیده شدن کشور و ... را بالا می‌برد و علاوه بر این‌ها، عذاب‌های اخروی را نیز به دنبال دارد.

■ صبر و استقامت در ترک عادت

افرادی که سعی دارند وضع پوشش خود را اسلامی کنند مسلماً با مشکلاتی چون فشار از ناحیه اطرافیان، تمسخر عده‌ای نادان و ... روبه‌رو خواهند شد. اما زنی که الگوی خود را فاطمه‌زها و زینب کبری (سلام‌الله‌علیهما) قرار دهد، سختی این کار را در برابر سختی‌هایی که این بزرگان کشیده‌اند، بسیار ناچیز خواهد دانست.

■ تربیت تدریجی فرزندان با حجاب اسلامی

امام رضا(ع) در مجلسی فرمودند: «هنگامی که دختر شش ساله شد، مرد نامحرم نباید او را در آغوش بگیرد یا ببوسد.»
بنابراین در مسائل آموزش حجاب و پوشش به فرزندان پدر و مادر نیز باید مرحله به مرحله آن‌ها را با فلسفه و خوبی‌های حجاب آشنا سازند و در خور درک فرزندان، آن‌ها را راهنمایی کنند و تحت تربیت تدریجی و عملی خود قرار دهند.



■ مراقبت در معاشرت‌ها و هم‌نشینی‌ها

حضرت علی(ع) می‌فرماید: با اشخاص شرور معاشرت و رفاقت نکن؛ زیرا طبیعت تو ناخودآگاه از او متأثر می‌شود. بنابراین زنان مؤمنه باید مراقب باشند دوستان صمیمی و هم‌دل خود را از زنان عقیف و با حیا انتخاب کنند و از دوستی با افراد بی‌بندوبار خودداری نمایند و در عین حال تلاش کنند در جهت هدایت این افراد منشأ اثر شوند.

■ ترویج فرهنگ قناعت و ساده‌پوشی در زنان

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

استعینوا علی النساء بالعرى فإنّ إحداهنّ إذا كثرت ثيابها و أحسنت زینتها
أعجیبا الخروج.

زنان را لباس ساده بپوشانید؛ هنگامی که لباس‌ها و زینت‌هایشان زیاد می‌شود،
برای خروج از خانه وسوسه می‌شوند.

اسراف و زیاده‌روی و مدپرستی در تهیه لباس، علاوه بر برانگیختن حس خودنمایی، عاملی
برای فقر خودساخته این زنان می‌شود که آسیب‌های فراوان دیگری را به همراه دارد.

■ ایجاد مشاغل خانگی برای زنان جویای کار

زنان مؤمنه باید سعی کنند وقت خود را با کارهای نیک پر کنند؛ از جمله تربیت
فرزندان، بالا بردن علم و آگاهی و همچنین اشتغال به کارهای هنری مفید در خانه.

■ احیای امر به معروف و نهی از منکر

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «اگر شخصی در نهان معصیتی مرتکب شود، فقط به
شخص او ضرر وارد می‌شود و اگر در ملاء عام گناهی را انجام دهد و دیگران او را نهی
از منکر نکنند، همه مردم زیان می‌بینند.»

البته باید توجه داشت در پیشگیری از بدحجابی و بی‌حجابی آن‌ها باید امر به
معروف با شیوه‌های منکر و بدون توجیه منطقی و خارج از حدود شرعی مشخص
شده نباشد. تذکرات باید صحیح و مرحله به مرحله باشد.

■ ترویج فرهنگ نماز

زنان در حال نماز خواندن مکلف به داشتن حجاب کامل هستند. از طرفی، بهترین

نوع ارتباط معنوی بنده با خدای خویش در حالت نماز است. با توجه به وجوب پوشش در نماز که بهترین حالت ارتباط زن با خداوند متعال است، به ارزش جایگاه حجاب پی می‌بریم. از طرف دیگر، زنان مؤمن برای انجام وظیفه الهی نماز در روز چندین بار داشتن پوشش کامل را عملاً تمرین و تکرار می‌کنند. علاوه بر آن با توجه به آیه مبارکه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ... أَقِمْنَ الصَّلَاةَ...» خداوند در این آیه شریفه به زنان امر می‌کند که جلوه‌گری نکنید و اگر می‌خواهید نیروی بازدارنده‌ای در برابر این تبرج به دست آورید، نماز را به پا دارید. نماز شما را از فحشا و منکر باز می‌دارد و نیرومندترین وسیله برای حفظ حجاب است.

کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا(ص)

پرسش: حضرت فاطمه زهرا(س) به عنوان بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، چه نوع حجاب و پوششی داشته‌اند؟

پاسخ: در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا (س) وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم(ص) بروند، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب(چادر) و برقع (روپوش) صورت استفاده می‌کردند. علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه زهرا(س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه فدک است. در داستان غم‌انگیز غصب فدک آمده است که وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان شکل خاص حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است:

لَاثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءٍ

قَوْمَهَا تَطَّأُ دُبُولَهَا؛ حضرت زهرا(س) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.

قضیه فوق‌گویی آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن از آن به حجاب زنان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم یاد کرده است.

نظر رهبر فرزانه انقلاب درباره چادر

«من می‌گویم چادر، هم بهترین نوع حجاب است و هم نشانه ملی ماست که هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرّکی از زن ندارد. اگر واقعاً کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری به معنای تحرّک باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد که بهترین نوع حجاب است. البته می‌توان محجبه بود ولی چادر نداشت. منتها همین‌جا هم باید آن مرز را پیدا کرد.»

بررسی میزان توجه به حجاب و عفاف در کتاب «دین و زندگی» متوسطه حجاب در کتاب‌های درسی

عباس قلتاش، استاد دانشگاه آزاد مرودشت

مسلم صالحی، استادیار دانشگاه آزاد مرودشت

معصومه ساریخانی‌فرد، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی میزان توجه به حجاب و عفاف در کتاب درسی دین و زندگی دوره متوسطه انجام شده است. از روش توصیفی برای مشخص کردن مؤلفه‌های حجاب و عفاف و از روش تحلیل محتوا به منظور بررسی و تحلیل برنامه درسی و از روش پیمایشی جهت سنجش دیدگاه دانش‌آموزان استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش تحلیل محتوا، برنامه درسی دین و زندگی پایه اول، دوم و سوم متوسطه کشور بوده که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در بخش پیمایش، جامعه آماری تمام دانش‌آموزان دختر متوسطه صفاشهر بودند که با نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، سیاهه تحلیل اهداف، تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، تحلیل محتوای

کتاب‌های راهنمای معلم و تحلیل تصاویر بود و نیز پرسش‌نامه برای نظرسنجی، که پس از مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، تهیه و تنظیم شد و روایی آن توسط متخصصان علوم تربیتی تعیین گردید. واحد تحلیل، تصاویر و جملات مندرج در کتب مذکور بوده است. مهم‌ترین یافته‌ها نشان‌دهنده آن بود که در مجموع اهداف ۱۶/۵ درصد، کتب راهنمای معلم ۰/۳۵، کتاب درسی به میزان ۲ درصد و تصاویر ۴/۳۹ درصد به مؤلفه‌های حجاب و عفاف توجه شده است. بیشترین میزان توجه در بعد عاطفی بوده و در مجموع به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری، آرایش، ذهن و پوشش توجه بیشتری شده است. علاوه بر آن، نتایج نظرسنجی از دانش‌آموزان با نتایج حاصل از تحلیل محتوا مورد تأیید نسبی قرار گرفت. بنابراین، ضرورت بازنگری در برنامه درسی دین و زندگی متوسطه و ملاحظه مواردی که در برنامه درسی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حجاب و عفاف، برنامه درسی، برنامه درسی حجاب و عفاف دوره متوسطه، حجاب اجتماعی

بیان مسئله

کلمه حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب اما بیشتر، به معنی پرده به کار می‌رود. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (حسن‌نژاد، ۱۳۸۴).

ناهنجاری‌ها و جرائم اجتماعی در تمام اعصار و جوامع وجود داشته‌اند، لیکن در برخی از شرایط با گسترش دامنه این ناهنجاری‌ها، معضلاتی ایجاد می‌شود که

تداوم حیات یک کشور را با خطر روبه‌رو می‌کند. بروز این مسائل با توجه به شرایط موجود که تهاجمات، فرهنگ غنی و مبتنی بر اخلاق و دستورات رفتاری ما را تهدید می‌کند، بررسی مسائلی چون حجاب و پوشش دختران و زنان، که نیمی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، نقش مهمی در جامعه‌پذیری نسبت به این الگوها دارد. مدرسه بعد از خانواده دومین حلقه از حلقه‌های فرایند جامعه‌پذیری است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان‌یافته را تجربه می‌کند و از این منظر با پیچیدگی‌های نظام اجتماعی تاحدودی آشنا می‌شود. محیط مدرسه نیز به سبب وجود ارتباطات عاطفی چهره به چهره میان هم‌سالان و موقعیت مناسب سنی الگوگیری تأثیر عمیقی در ساخت‌دهی شخصیت افراد به جا می‌گذارد. بدیهی است دستیابی به آثار مثبت هر دو محیط (خانه و مدرسه) تنها هنگامی میسر خواهد بود که هماهنگی کاملی میان این دو نهاد برقرار باشد و هر یک در تکمیل فرایند طی شده توسط دیگری گام بردارد و کار خود را به صورت مقطعی از یک جریان مستمر تلقی کند.

مدارس در کنار خانواده و در طول فعالیت‌های آن، نیز رسالتی به‌عهده دارند. آن‌ها مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. توصیه‌بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد ولی توصیه‌همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند. معرفت به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. اگر پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت عملی پیدا می‌کند (احمدی، ۱۳۸۳).

بنابراین، برنامه‌درسی یکی از ابزارهای مهم آموزش و پرورش است. به‌ویژه برنامه‌درسی دین و زندگی که جایگاه پرداختن به آموزه‌های دینی و ارزش‌هایی مانند حجاب و عفاف است که بیرق و نماد برجسته‌مسلمانان محسوب می‌شود. نیز

ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره (متوسطه) مناسب درک مسائل انتزاعی، تبیین و تفسیر علل موضوعات است. لذا برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه بستر مناسبی برای تبیین چپستی و چگونگی و فلسفه‌ی حجاب و عمق بخشیدن به باورهای مذهبی و یادگیری‌های دانش‌آموزان است. بنابراین، سؤال اساسی که برای محقق مطرح شد این بود که:

۱. به چه میزان به حجاب و عفاف در برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه ایران توجه شده است؟
۲. دانش، نگرش و پذیرش دانش‌آموزان متوسطه‌ی شهر صفاشهر نسبت به حجاب و عفاف چگونه است؟

هدف تحقیق

۱. توصیف و تبیین میزان توجه به حجاب و عفاف در برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه‌ی تحصیلی ایران.
۲. توصیف و تبیین دیدگاه دانش‌آموزان دختر متوسطه‌ی صفاشهر نسبت به حجاب و عفاف.

سوالات پژوهش

۱. در اهداف مصوب برنامه‌ی درسی دین و زندگی به چه میزان به حجاب و عفاف در ابعادشناختی، عاطفی و مهارتی توجه شده است؟
۲. در محتوای کتب درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه به چه میزان به حجاب و عفاف در ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی توجه شده است؟
۳. در محتوای کتب راهنمای معلم دین و زندگی متوسطه به چه میزان به حجاب و عفاف در ابعاد شناختی، عاطفی و مهارتی توجه شده است؟

۴. دانش و آگاهی دانش‌آموزان متوسطه صفاشهر از حجاب و عفاف به چه میزان است؟

۵. پذیرش دانش‌آموزان متوسطه صفاشهر نسبت به حجاب و عفاف به چه میزان است؟

ارائه مؤلفه‌های پیشنهادی برنامه درسی حجاب و عفاف

حجاب فردی: توجه به حجابی که آثار و تأکید آن به شخص انسان و زندگی فردی او مربوط می‌شود.

حجاب اجتماعی: آشنایی با فواید حجاب و عفاف و توجه به آن‌ها، نسبت به بعد اجتماعی و تأکید بر آنچه به زندگی انسان در جمع مربوط می‌شود.

حجاب و عفاف در پوشش: تأکید بر پوشش ظاهری مناسب، نوع و کیفیت آن.

حجاب و عفاف در نگاه: تأکید و توجه به پرورش مهارت‌های خودکنترلی به منظور حفظ حریم نگاه‌ها و آگاهی و شناخت از پیامدهای نگاه‌آلوده.

حجاب و عفاف در ذهن: تأثیرگذاری بر تقویت افکار، رشد ذهنی و براهین عقلی در پذیرفتن حجاب و عفاف.

حجاب و عفاف در آرایش: تأکید صحیح بر آرایش صورت و آراستگی لباس و ترک توجه به آرایش‌های غیرمعمول و لباس‌های تحریک‌کننده و پیامدهای آن‌ها.

حجاب و عفاف در گفتار: کاربرد بهینه زبان در تعاملات، حفظ حریم در گفت‌وگوهای اجتماعی و پرهیز از سخن‌های هوس‌آلود.

حجاب و عفاف در زینت: پرهیز از به‌کارگیری زیورآلات غیرمعمول و نمایش زینت‌ها در تعاملات اجتماعی.

حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری: تأکید بر حفظ حریم رفتار در معاشرت‌های اجتماعی و داشتن وقار و متانت در تعاملات و ارتباطات روزمره.

اولین سؤال اصلی پژوهش

میزان توجه به حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه به چه میزان است؟

برای بررسی بعد شناختی سیاهه تحلیل اهداف، تحلیل محتوای کتب درسی و تحلیل محتوای کتاب راهنمای معلم مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ به سؤال فوق همراه با جدول مربوط در ادامه می‌آید.

جدول ۱: توزیع میزان توجه به بعد شناختی آموزش حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ایران

مجموع		دین و زندگی پایه سوم		دین و زندگی پایه دوم		دین و زندگی پایه اول		دروس دین و زندگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	محتوا
۱۰۰	۱۴	۲۱/۴۲	۳	۵۷/۱۴	۸	۲۱/۴۲	۳	اهداف مصوب
۱۰۰	۷۹	۱۲/۶۵	۱۰	۷۹/۷۴	۶۳	۷/۶۰	۶	محتوای کتب درسی
۱۰۰	۱۷	۱۷/۶۴	۳	۷۰/۵۸	۱۲	۱۱/۷۶	۲	محتوای کتاب راهنمای معلم
۱۰۰	۱۱۰	۱۴/۵۴	۱۶	۷۵/۴۵	۸۳	۱۰	۱۱	مجموع جملات مرتبط با حجاب
۲۸۰۱۱								مجموع جملات برنامه درسی حجاب
۰/۳۹		۰/۰۵۷		۰/۳۰		۰/۰۳۹		درصد جملات مرتبط با حجاب

چنان که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع اهداف مصوب برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه، دین و زندگی پایه دوم با ۵۷/۱۴ درصد دارای بیشترین میزان توجه است و تعلیمات پایه اول و سوم با ۲۱/۴۲ درصد توجه در رده بعدی قرار دارند. از مجموع جملات موجود در کتب درسی دین و زندگی دوره متوسطه

تعلیمات پایه دوم با ۷۹/۷۴ درصد به میزان بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. این میزان توجه در تعلیمات ۳ و ۱ به ترتیب با ۱۲/۶۵ درصد و ۷/۶۰ درصد کمتر شده است. در محتوای کتب راهنمای معلم از مجموع ۱۶۸۹۰ جمله در متن کتاب راهنمای معلم، ۱۷ جمله در ارتباط با مؤلفه‌های حجاب و عفاف در حیطه شناختی بوده است.

در مجموع محتوای اهداف، کتب درسی و کتب راهنمای معلم برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه، میزان توجه به حیطه شناختی در کتاب دین و زندگی دوم با ۰/۳۰ درصد دارای بیشترین میزان توجه بوده و این میزان در تعلیمات ۳ و ۱، ۰/۰۵۷ درصد و ۰/۰۳۹ درصد رسیده است. در مجموع، به بعد شناختی آموزش حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ۰/۳۹ درصد توجه شده است.

میزان توجه به بعد عاطفی آموزش حجاب و عفاف در برنامه

درسی دین و زندگی دوره متوسطه

همان‌طور که جدول ۲ گویاست، از مجموع اهداف مصوب برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ایران، دین و زندگی پایه دوم با ۵۲/۳۸ درصد دارای بیشترین میزان توجه بوده و تعلیمات پایه اول و سوم با ۲۳/۸۰ درصد در رده بعد قرار دارند.

از مجموع جملات موجود در کتب درسی دین و زندگی دوره متوسطه تعلیمات پایه دوم با ۷۲/۵۲ درصد دارای بیشترین میزان توجه بوده و تعلیمات سوم با ۱۵/۳۸ و پایه اول با ۱۲/۰۸ درصد توجه کمتری به آن‌ها شده است. در محتوای کتب راهنمای معلم، از مجموع ۱۶۸۹۰ موجود در متن کتاب ۲۸ جمله در ارتباط با بعد عاطفی مؤلفه‌های حجاب و عفاف بوده است.

جدول ۲: توزیع میزان توجه به بعد عاطفی آموزش حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ایران

مجموع		دین و زندگی پایه سوم		دین و زندگی پایه دوم		دین و زندگی پایه اول		درس دین و زندگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	محتوا
۱۰۰	۲۰	۲۵	۵	۵۵	۱۱	۲۰	۴	اهداف مصوب
۱۰۰	۹۱	۱۵/۳۸	۱۴	۷۲/۵۲	۶۶	۱۲/۰۸	۱۱	محتوای کتب درسی
۱۰۰	۲۸	۱۴/۲۸	۴	۷۵	۲۱	۱۰/۷۲	۳	محتوای کتاب راهنمای معلم
۱۰۰	۱۳۹	۱۶/۵۶	۲۳	۷۰/۵	۹۸	۱۳/۶۶	۱۸	مجموع جملات مرتبط با حجاب
۲۸۰۱۱								مجموع جملات برنامه درسی حجاب
۰/۵		۰/۰۸۲		۰/۳۵		۰/۶۷		درصد جملات مرتبط با حجاب

در مجموع محتوای اهداف، کتب درسی و کتب راهنمای معلم برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه در حیطه عاطفی، تعلیمات پایه دوم با ۰/۳۵ درصد دارای بیشترین میزان توجه بوده و این میزان در تعلیمات اول ۰/۰۶۷ و در کتاب سوم به ۰/۰۸۲ رسیده است. در مجموع، به بعد عاطفی آموزش حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه ۰/۵۰ درصد توجه شده است.

میزان توجه به بعد عملکردی آموزش حجاب و عفاف

در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه

برای بررسی سؤال فوق نیز سیاهه تحلیل اهداف، تحلیل محتوای کتب درسی و تحلیل محتوای کتاب راهنمای معلم مورد بررسی قرار گرفت که تشریح پاسخ به سؤال فوق همراه با جدول مربوطه در ادامه می آید.

جدول ۳: توزیع میزان توجه به بعد عملکردی آموزش حجاب و عفاف در برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه ایران

مجموع		دین و زندگی پایه سوم		دین و زندگی پایه دوم		دین و زندگی پایه اول		دروس دین و زندگی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	محتوا
۱۰۰	۱۶	۲۵	۴	۵۶/۲۵	۹	۱۸/۷۵	۳	اهداف مصوب
۹۵	۴۸	۱۴/۵۸	۷	۷۰	۳۶	۱۰/۴۲	۵	محتوای کتب درسی
۱۰۰	۱۵	۱۳/۳۴	۲	۶۶/۶۶	۱۰	۲۰	۳	محتوای کتاب راهنمای معلم
۱۰۰	۷۹	۱۶/۴۵	۱۳	۶۹/۶۲	۵۵	۱۳/۹۳	۱۱	مجموع جملات مرتبط با حجاب
۲۸۰۱۱								مجموع جملات برنامه‌ی درسی حجاب
۰/۲۸		۰/۰۴۶		۰/۲۰		۰/۰۴۰		درصد جملات مرتبط با حجاب

چنان که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از مجموع اهداف مصوب برنامه‌ی درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه، تعلیمات پایه‌ی دوم با ۵۶/۲۵ درصد بیشترین میزان توجه را دارد و تعلیمات پایه‌ی سوم با ۲۵ درصد در رتبه‌ی بعد و کتاب دینی اول با ۱۸/۷۵ درصد در رتبه‌ی آخر توجه قرار دارد و توجه کمتری به آن شده است. از مجموع جملات موجود در کتب درسی دین و زندگی دوره‌ی متوسطه نیز تعلیمات پایه‌ی دوم با ۷۰ درصد بیشترین میزان توجه را داراست و دین و زندگی اول ۱۰/۴۲ و سوم به میزان ۱۴/۵۸ درصد توجه شده است. در محتوای کتاب راهنما از مجموع ۱۶۸۹۰ جمله موجود در متن کتاب، ۱۵ جمله در ارتباط با بعد عملکردی مؤلفه‌های حجاب و عفاف بوده و در مجموع ۰/۲۸ درصد به بعد عملکردی آموزش حجاب توجه شده است.

تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی پایه اول متوسطه

از مجموع ۲۸۸۴ جمله مندرج در کتاب دین و زندگی، پایه اول، ۲۲ جمله در ارتباط با مؤلفه‌های حجاب و عفاف بوده که ۰/۳۸ درصد در بعد عاطفی، ۰/۲۰ درصد در بعد شناختی و ۰/۱۷ درصد در بعد عملکردی مشاهده شده است. آن چنان که گویاست، بیشترین درصد در بعد شناختی است. در این بعد بیشتر به مؤلفه حجاب و عفاف در ذهن توجه شده و به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در گفتار، نگاه و آرایش کاملاً بی‌توجهی شده است و میزان توجه به سایر مؤلفه‌ها نیز کمتر بوده است.

در بعد عملکردی مؤلفه حجاب و عفاف در تعاملات اجتماعی، به ذهن، پوشش و حجاب اجتماعی کم توجه شده و به سایر مؤلفه‌های حجاب و عفاف توجه نشده است.

نتایج حاصل از تصاویر کتاب دین و زندگی پایه اول بیانگر این است که از ۳۲ تصویر در کتاب، ۲ تصویر در ارتباط با مؤلفه‌های حجاب و عفاف است که مؤلفه‌های حجاب و عفاف در تعاملات اجتماعی و حجاب و عفاف در پوشش هر کدام با ۵۰ درصد دارای بیشترین میزان توجه است و به سایر مؤلفه‌ها کاملاً توجه نشده است.

تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی پایه دوم

در کتاب دین و زندگی پایه دوم از مجموع ۳۶۲۴ جمله مندرج در این کتاب درسی، ۱۶۵ جمله در ارتباط با مؤلفه‌ها و ابعاد حجاب و عفاف بوده که ۱/۷۳ درصد در بعد شناختی، ۱/۸۲ درصد در بعد عاطفی و ۰/۹۹ درصد در بعد عملکردی مشاهده شده است. آن چنان که گویاست، بیشترین میزان توجه در بعد عاطفی و کمترین میزان بعد شناختی است. در بعد شناختی به همه مؤلفه‌های حجاب و عفاف توجه شده است. بیشترین توجه به مؤلفه‌های تعاملات رفتاری، به پوشش و ذهن مربوط می‌شود و کمترین توجه به حجاب و عفاف در گفتار است.

در بعد عاطفی نیز مؤلفهٔ حجاب و عفاف در پوشش و تعاملات رفتاری با ۱۶/۶۶ درصد دارای بیشترین میزان فراوانی است. مؤلفه‌های حجاب و عفاف در ذهن و آرایش با ۱۳/۶۳ درصد در ردهٔ بعدی است و به سایر مؤلفه‌ها به نسبت کمتری توجه شده است.

در بعد عملکردی بیشترین توجه به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در پوشش است و کمترین توجه به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در گفتار، نگاه و ذهن است.

تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی پایهٔ سوم

در کتاب دین و زندگی پایهٔ سوم از مجموع ۴۳۰۴ جملهٔ مندرج در کتاب، ۳۲ جمله در ارتباط با ابعاد و مؤلفه‌های حجاب و عفاف بوده که ۰/۲۳ درصد در بعد شناختی و ۰/۳۲ درصد در بعد عاطفی و ۰/۱۶ درصد در بعد عملکردی مشاهده شده است. چنان که مشخص است، بیشترین میزان توجه در بعد عاطفی و سپس شناختی و کمترین توجه به بعد عملکردی است. در بعد شناختی مؤلفهٔ حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری و ذهنی با ۲۰ درصد فراوانی دارای بیشترین میزان توجه است و سایر مؤلفه‌ها در رتبهٔ بعدی توجه هستند. به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در گفتار نیز کاملاً بی‌توجهی شده است.

در بعد عاطفی مؤلفهٔ حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری و ذهن دارای بیشترین میزان توجه است. به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در نگاه، زینت و گفتار و در حجاب فردی کاملاً بی‌توجهی شده و به مؤلفه‌های حجاب اجتماعی، حجاب و عفاف در آرایش و پوشش به میزان کمتری توجه شده است.

در بعد عملکردی مؤلفه‌های حجاب و عفاف در پوشش و تعاملات رفتاری و ذهن با ۲۸/۵۷ درصد دارای بیشترین میزان توجه است و به مؤلفهٔ حجاب اجتماعی حجاب و عفاف آرایش و پوشش به میزان کمتری توجه شده و به سایر مؤلفه‌ها کاملاً

بی توجهی شده است.

بر این اساس، در مجموع مؤلفه حجاب و عفاف در تعاملات اجتماعی پوشش و ذهن با ۱۵/۱۹ درصد دارای بیشترین میزان توجه بوده و مؤلفه حجاب و عفاف در گفتار با ۳/۸ صدم درصد دارای توجه کمتری است.

بنابراین، در مجموع کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه ۲ درصد به مؤلفه‌ها و ابعاد حجاب و عفاف توجه شده و بعد عاطفی در هر سه پایه دارای بیشترین میزان توجه است.

در مجموع تصاویر مندرج در کتب دین و زندگی دوره متوسطه، دین و زندگی پایه اول و دوم به ترتیب با ۶/۲۵ و ۶/۰۶ درصد از میزان توجه برخوردار بودند؛ در حالی که در دین و زندگی پایه سوم این میزان به صفر درصد رسیده و در مجموع ۴/۳۹ درصد در تصاویر به مؤلفه‌ها و ابعاد حجاب و عفاف توجه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق اساساً به دنبال شناسایی و توصیف جایگاه حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه نظری و همچنین دانش‌آموزان این دوره بوده است.

برای پاسخ‌گویی به سؤالات اصلی و سؤالات ویژه، با استفاده از روش تحلیل محتوا و پیمایشی پژوهشی روش تلفیقی به کار گرفته شد. نخست منابع و متون در دسترس در زمینه حجاب و عفاف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت.

با پشتوانه این مطالعه و مبانی نظری، مؤلفه‌های مورد نظر طرح شد و مورد اعتباریابی قرار گرفت. براساس این مؤلفه‌ها سیاهه تحلیل محتوا و پرسش‌نامه با گویه‌های متناسب با حجاب و عفاف طراحی گردید و در پاسخ به سؤالات مورد استفاده قرار گرفت.

سؤال ۱- میزان توجه به حجاب و عفاف در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه چگونه است؟

برای پاسخ دادن به سؤال فوق، برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه یعنی تعلیمات پایه اول دبیرستان، پایه دوم و پایه سوم مورد بررسی قرار گرفت و برای مشخص شدن میزان توجه به آن هر یک از موقعیت‌های اهداف، کتب درسی و کتب راهنمای معلم به ابعاد سه‌گانه (شناختی، عاطفی، عملکردی) و سؤالات کلی همراه با نتایج آن مورد بحث قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در برخی موقعیت‌ها (اهداف، محتوای کتب و محتوای راهنمای معلم) و نیز حیطه‌های شناختی، مهارتی و نگرشی برنامه درسی موجود به‌طور نسبی از مؤلفه‌های پیشنهادی برخوردار است و به‌جز در موقعیت اهداف، که میزان برخورداری آن تا حدود ۷ درصد رسیده، در بخش محتواها این مقدار کمتر از ۱ درصد بوده است. اما در کل به اکثر مؤلفه‌های پیشنهادی به‌طور کم یا متوسط پرداخته شده است؛ توجه به مؤلفه‌هایی چون حجاب و عفاف در گفتار، نگاه و زینت کم بوده و بازنگری این مؤلفه لازم است. همچنین در بعد مهارتی این برنامه درسی نیز توجه نسبت به بعد عاطفی و شناختی کمتر است، که این مسئله هم باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در مجموع، در درس دین و زندگی ۱/۱۷ درصد به مؤلفه‌های حجاب و عفاف پرداخته شده است. در مجموع، مؤلفه حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری با ۱۷/۱۸ درصد فراوانی در درس دین و زندگی بیشترین میزان توجه را داراست و مؤلفه‌های حجاب و عفاف در پوشش با ۱۶/۸۱ درصد در رده بعد قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌های حجاب و عفاف در ذهن و آرایش و حجاب اجتماعی به ترتیب رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج در راستای نتایج تحقیق اسلامی (۱۳۹۰) است و در هر دو پژوهش مشاهده می‌شود که به مؤلفه‌های تعاملات رفتاری و پوشش بیشترین توجه و به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در نگاه و

گفتار و زینت کمترین توجه شده است.

سؤال ۲. دانش، نگرش و پذیرش دانش آموزان متوسطه صفا شهر نسبت به حجاب و عفاف چگونه است؟

جهت پاسخ به این سؤال، براساس مؤلفه‌های حجاب و عفاف اعتباریابی شده بخش تحلیل محتوا، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۳۲ سؤال طراحی و پس از اعتباریابی آن توسط استادان و متخصصان علوم تربیتی و روش تحقیق با نمونه‌ای ۱۵۰ نفری از دانش‌آموزان دختر صفا شهر دوره متوسطه توزیع و اجرا گردید.

سپس با استفاده از آزمون فرض درباره میانگین جامعه (آزمون t تک نمونه‌ای) میانگین نمونه X مورد بررسی با میانگین فرضی (μ) مقایسه گردید و مقدار t در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ و در درجه آزادی $df = 149$ محاسبه شد. نتایج حاکی از آن بود که بین میانگین نمونه و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با مقایسه این دو درمی‌یابیم که میانگین نمونه بیشتر از میانگین فرضی است؛ یعنی میزان دانش و پذیرش دانش‌آموزان دوره متوسطه از مؤلفه‌های حجاب و عفاف بالاتر از حداقل نمره قابل قبول بوده است. نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش مساوات (۱۳۷۷) همخوانی ندارد؛ چرا که آزمودنی‌های آن پژوهش مخالف حجاب بودند و با یافته‌های حسن‌نژاد (۱۳۸۴) همسویی دارد و اکثر آزمودنی‌ها نسبت به حجاب نظر مثبت داشته‌اند و همانند آزمودنی‌های پژوهش حاضر، نگرش نسبتاً مثبت (بیش از متوسط) به پوشش اسلامی نشان داده شده است.

نکته قابل توجه این است که میزان آگاهی آزمودنی‌ها از میزان پذیرش آن‌ها نسبت به حجاب و عفاف بیشتر است.

همان‌گونه که مشاهده شد، دانش‌آموزان مورد سنجش، هم‌آگاهی و هم‌میزان گرایش و پذیرششان نسبت به حجاب و عفاف در سطح مطلوب (مورد انتظار) است

اما آن‌ها میزان توجه به حجاب و عفاف در کتاب‌های دین و زندگی را کافی نمی‌دانند و این در نتایج به‌وضوح دیده می‌شود. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان اطلاعاتی را که دارند و در پرسش‌نامه و جدول اطلاعات مشاهده می‌شود، بیشتر از راه‌های دیگری کسب کرده‌اند.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. در برنامه‌درسی دین و زندگی به مؤلفه‌های حجاب و عفاف در ابعاد مختلف (گستره شناختی، مهارتی و نگرشی) بیشتر توجه شود.
۲. دانش، نگرش و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان برای اجرای برنامه‌درسی پیشنهادی متناسب با توسعه و تحکیم فرهنگ حجاب و عفاف باشد و مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. با برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت و بازآموزی، اطمینان حاصل شود که معلمان از نظر دانش همواره آمادگی عملی و استدلالی را جهت طرح موضوع دارند و این خود نشانه‌توانمندی آنان در انجام وظایفشان است. ضمن اینکه باید از تظاهر پرهیزند و افراط و تفریط نداشته باشند.
۳. با توجه به جایگاه ویژه خانواده در تربیت، از توانمندی والدین با هماهنگی بین خانه و مدرسه و با تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده، بهره‌گیری مناسب صورت گیرد.
۴. آموزش و ترویج حجاب و عفاف با بهره‌گیری از ظرفیت و توانایی‌های زیرگسترش یابد:
(الف) مراکز و ادارات فرهنگی مانند اداره فرهنگ ارشاد اسلامی، انجمن اسلامی مدارس و دانشگاه‌ها؛
(ب) مساجد و کانون‌های فرهنگی مساجد؛
(ج) رسانه‌های ارتباط جمعی، به‌ویژه صدا و سیما و توجه به محصولات آن (که

جایگاه مناسبی برای آموزش ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ملی، هم‌چنین فرهنگ‌سازی و الگودهی است).

منابع

۱. احدیان، محمد، مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران، نشر و تبلیغ بُشری، ۱۳۸۷.
۲. احمدی، سیداحمد، روان‌شناسی جوانان و نوجوانان. اصفهان، مشعل، ۱۳۸۳.
۳. اسحاقی، حسین، گوهر عفاف (پژوهشی دربارهٔ حجاب)، ویراست دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴. اسلامی، مینا، بررسی میزان توجه به حجاب و عفاف در برنامهٔ درسی ادبیات فارسی دورهٔ راهنمایی تحصیلی ایران. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه آزاد واحد مرودشت، ۱۳۹۰.
۵. حبیبی، مهدی، دیدگاه جوانان و میان‌سالان در مورد حجاب برتر، مجلهٔ علوم رفتاری، بهار ۱۳۸۹.
۶. حدادعادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۸۰.
۷. حسن‌نژاد، مریم، بررسی میزان تأثیرپذیری از هم‌سالان و وسایل ارتباط جمعی در انتخاب پوشش دختران پایهٔ سوم راهنمایی ناحیهٔ دو شیراز، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴.
۸. طبرسی، رضی‌الدین، مکارم الاخلاق، ترجمهٔ سیداحمد احمدزاده، قم، نورالزهر، ۱۳۹۰.
۹. کریمی‌پور، زهرا، «مینه‌های مؤثر در مدرکرای دانش‌آموزان مقطع متوسطهٔ شهرستان اراک»، شورای تحقیقات آموزش و پرورش شهرستان استان مرکزی، ۱۳۷۷.
۱۰. کیانی، ثریا، «نگاهی نو به بحث حجاب و واقعیت‌های موجود»، پایان‌نامهٔ کارشناسی چاپ نشده، مدرسهٔ علمیه الزهرا(س)، ۱۳۸۶.
۱۱. لقمانی، احمد، چگونه فرزندان ما با حجاب می‌شوند، قم: بهشت بینش، ۱۳۸۹.
۱۲. مساوات، سیده فاطمه، «بررسی نگرش دانش‌آموزان دورهٔ پیش‌دانشگاهی به حجاب و عفاف در نواحی چهارگانهٔ شیراز»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. چاپ نشدهٔ دانشگاه آزاد واحد شیراز، ۱۳۷۷.
۱۳. مطهری، مرتضی، مسئلهٔ حجاب، تهران، نشریه انجمن اسلامی، ۱۳۵۳.
۱۴. _____، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.

از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در آیین‌های چهارگانه، استنباط می‌گردد که حجاب در آیین‌های دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. بنابراین، نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط‌هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده است، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است. اگرچه رسم حجاب در بین اقوام غیرعرب مرسوم بوده اما حجاب در بین زنان عرب نشئت گرفته از اقوام دیگر نیست. حکم حجاب به طور واضح در سال هشتم هجری نازل شد و این زمانی بود که هنوز اسلام از جزیرئ‌العرب پای بیرون نگذاشته بود و به دنبال آن، زنان مسلمان عرب از این دستور پیروی کردند. در دو سال باقی‌مانده از عمر رسول خدا(ص) گزارش‌هایی موجود است که آن جناب با کسانی که هنوز خود را با وضعیت جدید تطبیق نداده بودند برخورد می‌نمود.

